

صاحبان معنی افضل بیگ خان (قاسمال) کرد تألیفی مرتب از بی ادب صاحب شعر
 کلک او بر لوح گیتی هست نقش تازه میشود تاریخ سالش تحفه «صاحب شعر»
 (= ۱۱۶۵ هـ)

همچنین تاریخ تألیف این کتاب را عارف الدین خان عاجزاز «تحفه اوج
 کلام شعرا» و میرزا علی بی ایچاد نیراروی تعمیه ارقطعه زیر یافته است :

مجلس آرای صقه شعرا	خان افضل بیاب معنی سح
از سخن های طرفه شعرا	کرد تألیف سحه رنگین
گفت ایچاد تحفه شعرا	سال تاریخ این رروی قبول

(اینجا چون عدد روی قبول را که حرف «ق» (= ۱۰۰) است با عدد «تحفه
 شعرا» = ۱۰۶۲ جمع کنیم عدد ۱۱۶۴ بدست میآید که يك عدد کمتر از سال
 تألیف کتاب (۱۱۶۵) میباشد

در مورد سب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین مینویسد که چون قبل از او
 دیگران تذکره هائی نوشته بودند ما برای او میخواست تذکره شعرای بزرگی
 که در آنها در تذکره های قدیم نکرات آمده است بنویسد بلکه «بحکم لکل
 حدید لده باشمال احوال آن گروه والاشکوه . . که در خدمت فیض و مسرت
 آنها ربط بدگی و اخلاص داشت . . بعازتی که حالی از تکلف است پرداخته و به
 تحفه الشعرا موسوم ساخت» .

این تذکره مشتمل است بر ذکر شصت و دو (۶۲) شاعر معاصر که در زمان
 نظام الملك میریسته اند که دو نفر از آنها هندو هستند و با «سید غلام حسن قادری
 متخلص به سالك» شروع شده با «میرزاخان خانان مظهر جهان آبادی» تمام میشود و
 مؤلف در ذکر اسامی هیچ ترتیب خاصی را مراعات نکرده است .

در دلیل شرح حال آصفجاه و نظام الدوله و قایع تاریخی معاصر را مفصل آورده
 است و چون این وقایع در زمان مؤلف اتفاق افتاده و اکثر آن چشم دید اوست
 بنابراین از حیث تاریخ معاصر این مطالب دارای اهمیت فراوانی میباشد .

مؤلف شرح حال شعرا و اشخاص زیر را نسبة مفصل آورده است: سالک و عزت و عاشق و واصل (هر کدام در ۱ ص) و وحدت و عاجز (هر کدام در ۲ ص) و آزاد بلگرامی (در ۳ ص) و نظام الدوله ناصر (در ۲۶ ص) و آصفجاه (در ۴۳ ص) رویهمرفته شرح حال ناصر و آصفجاه را از سایرین مفصل تر آورده است. همچنین اشعار شعرای زیر را نسبة مفصل آورده است:

با باخان بخاری و نصرت و ثناء و رسا همدانی و تسلیم و عاقل (هر کدام در ۱ ص) و فخرالدین و میر عنایت اله و موزون و امید همدانی و صبا و امداد (هر کدام در ۲ ص) و فضلی و مخمور و والسه حیدرآبادی و عاصی (هر کدام در ۲ ص) و شاهسراج و شهید تهرانی و افتخار (هر کدام در ۴ ص) و ووقا (در ۳ ص) و آصفجاه (۴ ص) و وقار و واصل (هر کدام در ۵ ص) و ایجاد (در ۵ ص) و ناصر (در ۶ ص) و آواز بلگرامی و جرأت (هر کدام در ۷ ص) و عاخر (در ۷ ص) و مطهر (در ۹ ص).

رویهمرفته اشعار آزاد بلگرامی و جرأت و عاخر و مطهر را مفصل تر از دیگران آورده است.

در ذیل شرح حال شعرا غالباً سال هارا ذکر نکرده و همچنین اکثر مطالب مهمی را درباره زندگانی آنها مانند سال تولد و غیره را ذکر نکرده است و چون مؤلف با اکثر این شعرا معاصرو ظاهر آشنا بوده (چون اکثرشان دوخید آباد و نواحی آن زندگی میکردند) بنا بر این، علت این که چرا مؤلف در جمع آوری مطالب مهمی راجع بر زندگی شعرای مذکور سعی و کوشش نموده غیر از غفلت و تساهل او بعلمت دیگر نمیتوان حمل کرد.

در ذیل نام آصفجاه غیر از اشعار او نامه ای از مزار زحان و نامه آصفجاه به محمد شاه و رقعهای (نامه ای) در طلب گهریال (ساعت بزرگ) فرنگی را نیز نقل کرده

در ذیل نام شعرای زیر نثر از اشعار فارسی اشعار اردو را هم نقل کرده

شاه فضل الله نقشبندی و سید عبدالولی و میر فخرالدین اورنگ آبادی و
 شهید تهرانی و میر عبدالحی خان اورنگ آبادی و عارف الدین عاجز و میر عبدالوهاب
 دولت آبادی و میرزا جانجانان مظهر.

فہرست خطی

۱۔ آصفیج ۱ ص ۳۱۶ ش ۱۰ (۱۱۸۵ھ و نیز رجوع شود بہ تذیر احمدش ۲۷)

ج ۳ ص ۱۶۲ ش ۱۲۲.

۲۔ مدراس ۴۳۹ (باقص الاخر).

۳۔ کتابخانہ شخصی کر بل (سرہنگ) رشید ناظم بیمارستان جناح (جناح ہسپتال)

کراچی (کہ مشتمل بر ۱۲۴ صفحہ کوچک است).

فہرست اسامی شعرا

چون فہرست اسامی در ہیچ کتب یا فہرست کتابخانہ ای ذکر نشدہ بنا بر این

اینجا نوشته میشود.

۱۔ سید غلام حسن قادر سالک ۲۔ میر غلامعلی آزاد بلگرامی ۳۔ شاہ ہدایت اللہ

چار کاری و حدت ۴۔ شاہ فضل الله نقشبندی ۵۔ سید عبدالولی عزلت ۶۔ میر عبدالمنان عزلت

۷۔ میر فخرالدین اورنگ آبادی اصلا ترمذی ۸۔ شاہ سراج اورنگ آبادی ۹۔ مولوی

محمد باقر شهید تهرانی ۱۰۔ میر عنایت اللہ جیری ۱۱۔ آصفجاہ نظام الملک بہادر

فتح جنگ سپہ سالار ۱۲۔ نظام الدولہ میر احمد خان بہادر ناصر ۱۳۔ متوسل خان بہادر

قابل ۱۴۔ خواجہ بابا خان بخاری خواجگی ۱۵۔ خواجہ قلی خان بہادر قائم جنگ

مورون ۱۶۔ مرشد قلی خان بہادر رستم جنگ مخمور ۱۷۔ میرزا ہدایت اللہ ارادت خان

بہادر ۱۸۔ میر محمد نعیم دلاور خان نصرت سیالکوٹی ۱۹۔ میر محمد ہاشم جرأت

۲۰۔ قزلباش خان امید ہمدانی ۲۱۔ میر فقیر اللہ خان نشاء ۲۲۔ میر قاسم خان عاشق

۲۳۔ خواجہ ایوب محاطب (ملقب) بہ حمیل بیگ خان ۲۴۔ میر عبدالحی خان

- اورنگ آبادی وقار ۲۵ - عارف الدین خان میرزائی عاجر اورنگ آبادی ۲۶ -
 جان میرزا مخاطب (ملقب) بہ میرزا حان رسا حسینی ہمدانی ۲۷ - آقا امین ایلچپوری
 وقار ۲۸ - میرزا علی تقی ایچاد مخاطب (ملقب) بہ تقی علی حان ۲۹ - میرزا محمد تقی
 صبا مخاطب (ملقب) بہ علی بی حان ۳۰ - غلام ابراہیم خان ۳۱ - قاصی محمد حان آشنا
 ۳۲ - میر محمد رضی شوشتری ۳۳ - میر محمد والہ حیدر آبادی ۳۴ - میر عبد الوہاب
 افتخار دولت آبادی ۳۵ - میر سید احمد ہنرمختاب (ملقب) بہ فدوی احمد خان ۳۶ -
 میرزا ترک علی بیگ واصل اورنگ آبادی ۳۷ - شیخ نور محمد عاصی برہانپوری
 ۳۸ - شیخ محمد انور یکدل ۳۹ - شیخ غلام حسین عرف میاں حوین امداد برہانپوری
 ۴۰ - نصیر الدین خان داسا ۴۱ - نور الدین علی رنگین ۴۲ - شیخ احمد فدا
 اورنگ آبادی ۴۳ - نوارش حان راز ۴۴ - میر یوسف حان سمل ۴۵ - میر کامل
 کامل برہانپوری ۴۶ - محمد قلی تسلیم برہانپوری ۴۷ - محمد حامد مخاطب (ملقب)
 بہ حامد علی حان دولت آبادی ۴۸ - میر یحیی مخاطب (ملقب) بہ عاشق علی حان ایما
 ۴۹ - حواجہ کامگار حان عالی اورنگ آبادی ۵۰ - میر محمد علی افصح شاہان آبادی
 ۵۱ - آقا صابا معتمد ۵۲ - میر محمد علی ضیا ۵۳ - میرزا خلیل خلیل حیدر آبادی
 ۵۴ - مبارک یار خان مبارک ۵۵ - محمد عاقل حان عاقل مخاطب (ملقب) بدستمد خان
 ۵۶ - امین الدین علی مخاطب (ملقب) بہ علی حان امین اورنگ آبادی ۵۷ - حافظ
 محمد فاضل گجراتی ۵۸ - شیخ محمد فاضل جوڑا سر ہندی ۵۹ - مہاسنگ عرف کیسامل
 حقیر ۶۰ - رای مدن سنگہ موزون ۶۱ - قاضی محمد صالح روشن ۶۲ - میرزا جان جانان
 مظہر شاہجہان آبادی

« سرو آزاد »

ابتدا

« سرمایه حمد نیاز مبدعی که ارواح معانی را با قوالب الفاظ آمیخت و سبعه معلته افلاک را اردر قدرت آویخت ».

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب میرغلامعلی متخلص به آزاد بلگرامی است (برای شرح حال مؤلف رجوع شود به بحث در باره «ید بیضا» در این کتاب).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در ۱۱۶۶ هـ تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر که در آخر دیباچه کتاب آورده است می‌رساند :

بر حصار ورق مالیده عازه

خوشا مشاطه کلک هنرمند

نشاند آزاد سرو سبز تازه

شنو از قمریان عیب تاریخ

(= ۱۱۶۶ هـ)

همچنین قطعه هائی در خاتمه فصل اول و حاتمه این کتاب (بعد از فصل ثانی) آورده است که بشر تیب «تحریر عالی کرد آزاد» و «حتم او احسن» سال تألیف این کتاب (۱۱۶۶ هـ) را می‌رساند.

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه کتاب چنین توضیح میدهد که وی در اول تذکره الشعرائی موسوم به «ید بیضا» تألیف کرده بود اما بعد از فراهم آوردن مواد بیشتری در قد کرده مر نور اصلاح کرد و هر دو نسخه آن بنام «ید بیضا» مشهور گشت. بعد از مدتی این نسخه ثانی «ید بیضا» هم از نظر پسند مؤلف افتاد و وی خواست که «دکتر صاحب کمالات بلگرامی» را بصورت علیحده ترتیب دهد. بعد از ترتیب این

کتاب آن را «مآثر الکرام» موسوم و در دو دفتر قسمت کرد و نام دفتر اول آنرا «مآثر الکرام فی تاریخ بلگرام» گذاشت که مشتملست بر دو فصل در ذکر عرفاء و فضلاء بلگرام و نام دفتر ثانی این کتاب را «سرو آزاد» گذاشت مؤلف اسامی مأخذ و منابع خود را در دیباچه یا حاتمه کتاب ذکر نکرده است اما در ذیل احوال شعرا اسم کتابهای زیر را آورده است که در تألیف این کتاب از آنها استفاده کرده است .

- ۱- صحیح صادق (رجوع شود به نام سجایی و فیصی و ملازمانی و شیدا)
- ۲- آئین اکبری ابوالفضل (رجوع شود بنام فیصی)
- ۳- اعلام الانعام سیخ محمد یحیی اله آبادی (رجوع شود بنام فیضی)
- ۴- تذکره ناطم تبریزی (رجوع شود به نام ملازمانی و ملک قمی)
- ۵- تاریخ عالم آرای عباسی (رجوع شود به نام ملک قمی)
- ۶- مکتوبات فیضی (رجوع شود بنام فیضی و ملک قمی)
- ۷- حوان خلیل ملاطهوری (رجوع شود به نام ملاطهوری)
- ۸- تذکره بصر آبادی (رجوع شود به نام رکی همدانی)
- ۹- تذکره عرفات تعی اوحدی (رجوع شود بنام وصیحی و مرشد یردجردی)
- ۱۰- تذکره میر تعی (رجوع شود به نام مرشد یردجردی)
- ۱۱- شاه جهان نامه شیخ عبدالحمید (رجوع شود به نام قدسی مشهدی و یحیی کاشی)
- ۱۲- مرآت الخیال (رجوع شود به نام قدسی مشهدی)
- ۱۳- شاه جهان نامه ملاعلاء الملک تونی (رجوع شود به نام قدسی مشهدی)
- ۱۴- عمل صالح (رجوع شود به نام قدسی مشهدی)
- ۱۵- کلمات الشعرا ی سرخوش (رجوع شود به نام صیدی تهرانی و ماهر اکبر آبادی)
- ۱۶- مطول ملاعتارانی (رجوع شود بنام سلیم طرشتی)
- ۱۷- سلافة العصر سید علی معصوم مکی (رجوع شود بنام فرح شوشتری)

- ۱۸- منتخب التواریخ بدائونی (رجوع شود به نام شاهدی بلگرامی)
 ۱۹- مائثر میر علاء الدوله قرینی (رجوع شود به نام شاهدی بلگرامی)
 ۲۰- گلزار ابرار شیخ محمد مندوی (رجوع شود به نام نظیری)
 ۲۱-۲۲- کلیات نعمت خان عالی و کلیات شاپور.

۲۳ - ۳۸ - دواوین آفرین لاهوری و اسیر شہرستانی و اشرف واوحنی
 نظری و راقم وزایر و شوکت بخاری و صیدی و طهر خان رطھوری و عالی و فیض و
 ماهر و نظیری و یوئی و واعظ قرینی.

سرو آزاد (دفتر ثانی از کتاب مائثر الکرام) مشتمل بر دو فصل است فصل اول
 در ذکر ۱۴۳ شاعر فارسی است ترتیب تاریخی (از روی سال وفات یا سن شاعر)
 که از آجمله سی (۳۰) شاعر اهل بلگرام هستند و صد و سیرده (۱۱۳) شاعر ارشہرهای
 دیگر که بعد از سنہ یکہرار تارمان تألیف کتاب (۱۱۶۶ هـ) در ہندوستان متولد
 شدند یا بہ ہندوستان رفتند. فصل دوم سرو آزاد در ذکر ہشت شاعر زبان ہندی (اردو)
 است بنا بر این فصل دوم این کتاب از موضوع ما خارج است.

فصل اول این تذکرہ با سہابی استرانیادی شروع شدہ با (محزون بلگرامی
 تمام میشود.

مؤلف در دیباچہ بعد از حمد و نعت سبب تألیف قطعہ تاریخ ترتیب کتاب
 آورده است. سپس در بارہ آغاز شعر بحث کردہ و اقوال مختلف راجع با آغاز شعر فارسی
 نقل کردہ است

در دیل شرح حال شعرا مؤلف غالباً اطلاعات ریرا فراہم آورده است:

- ۱- اسم و القاب شاعر ۲- وقایع مهم زندگی او ۳- سن تولد و وفات شاعر
- ۴- آثار شاعر مخصوصاً آثار شعرا و ۵- شرح حال شاعر کہ در کتب تاریخ و تذکرہ
 دیگر آمدہ اسد

گاهی مؤلف شرح حال شاعر را بقدری مفصل آورده است کہ تکامل
 فکری او بکلی روشن میگردد مثلاً رجوع شود بہ ترجمہ خان فیضی . همچنین

اکثر اشعارش را مفصل آورده است و بدین ترتیب می‌توان به پایه وارزش ادبی شاعر پی برد.

در پایان دیباچه «خرانه عامره» مؤلف راجع بیک التزامی که در انتخاب اشعار در این تذکره ملحوظ داشته است تذکر داده است: «درسرو آزاد از آغاز کتاب تا انجام (آن) الترام است که مطالع بر غیر مطالع مقدم باشد».

شرح حال شعرای زیر را در ضمن احوال دیگران نقل کرده‌اس:

۱- سید صدر جهان در دیل نام حادق گیلانی ص ۹۲

۲- شیخ غلام مصطفی انسان و شیخ حان محمد در دیل نام سلیم طرشتی

ص ۷۴

میرزا محمد دانا در دیل نام اشرف ص ۱۱۲ .

۴- حافظ محمد اسعد مکی در دیل نام آفتاب ص ۱۸۹

۵- حاجی افضل در دیل نام صمیری بلگرامی ص ۲۴۶

۶- میر معصوم و میر نظام الدین در دیل نام سید علی معصوم مدنی ص ۲۸۶ .

گاهی با وجود اینکه شرح حال شعرا را مختصر آورده است با این وصف وقایع مهم زندگی آنها و مختصات شعرشان را بیان کرده و «رنده» اشعار آنها را نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام گرامی و گلش ورائح سیال کوتی .

گاهی بیابان محتملی از تذکره هائی که در سال وفات (و غیره) شاعر اختلاف داشته نقل کرده است

شرح حال شعرای زیر را مختصر نقل کرده است اما سال وفاتشان را ذکر نموده است

رضی اصهبانی و رکی همدانی و نظام شیرازی و فتحی اردستانی و ادائی پردی

و منیر لاهوری و سالک پردی و اثر شیرازی و قبول کشمیری و گرامی کشمیری و گلش

دهلوی و رائح سیال کوتی

اما برعکس، اشعار و شرح حال شعرای زیر را معصل آورده است اما سال تولد و

وفاتشان را ذکر کرده است

فیضی اکبر آبادی و مشرقی مشهدی و شیدا و فرج شوشتری و واعظ قزوینی و
صیدی تهراتی و فیاض و تجلی و اشرف و شوکت و وحید و آفرین لاهوری.
تنها اشعار و شرح حال شعرای زیر را خیلی مختصر آورده است و حتی سال تولد
یا وفاتشان را هم ذکر نکرده است.

شوقی (میر محمد حسین) و سعید ایردی و مادم لاهیجانی و سروری کابلی و مطیع
تسریزی و ناصح تسریزی و سالک قزوینی و راقم مشهدی و غمار و آگاه (سید علیرضا)
و سخور و ثمین و وامق و محرون و بلگرامی.

شرح حال سید عبداللحان (ص ۱/۲) و امیرالامرا سید حسین علی خان
(در ۱/۹ ص) و آصف آصفجاه (در ۹ ص) و آفتاب نظام الدوله (در ۱۲ ص) را خیلی
مفصل آورده است اما هیچ شعری از آنها نیاورده و تنها اشعاری که دیگران در مدح
آنها سروده اند نقل کرده است

همچنین در ذیل نام سید معصوم علی مدنی تنها شرح حال او را نقل کرده اما هیچ
شعری را از او نیاورده است.

رویه مرفته شرح حال میر عبدالخلیل واسطی را مفصل تر از سایرین
(در ۳۳ ص) آورده است و همچنین اشعار نیدل (۷۲ بیت و یک رباعی) و بیخبر بلگرامی
(۱-۵ بیت و ده رباعی) و آراد یسعی مؤلف (۲۲۸ بیت) را از همه شعرا مفصل تر
آورده

در میان رباعیات منتخب رباعیات سید غلام مصطفی از همه مفصلتر (۲۶ رباعی)
آورده است چون بقول مؤلف شاعر مر بوردیوان رباعیات دارد
در ذیل شرح حال شعرای زیر تذکر داده است که خودش با آنها ملاقات
کرده است

آفرین لاهوری و اقدس شوشتری و متین صفاهاهی و عرلت و رسا
و ایحاد و بیحر .

شرح حال مطهر حاجانان و احتجاز و آرزو از خود شنست و از این حیث

کاملاً معتبر است.

در ذیل شرح حال شعرای زیر بعضی وقایع مهمی که بعد از اتمام کتاب روی داده است (مانند قوت، شاعر) در پایان اشعار شاعران اضافه نموده است: میر معصوم و فقیر و آرزو و غریب.

در ذیل شرح حال شعرای زیر قطعه‌ای که مؤلف در وفاتشان گفته است نقل کرده است:

شهرت شیرازی و روحی سیرپوری و افضلی و عشقی (سید برکت‌اله) وصیا و میر طعیل بلگرامی و بی‌حجر بلگرامی و احمدی و سید عظیم‌الدین بلگرامی و محمد بلگرامی و واحد بلگرامی.

در ذیل شرح حال مید عبدالله خان و امیر الامرا سید حسین علی حیان و آصف حامو آفتاب نظام الدوله ناصر حسنگ و قایع تاریخی رمان ایشان را خیلی مفصل آورده است که از حیث تاریخ معاصر دارای ارزش بسیاری است اما چون اکثر این مطالب کلی تاریخ هر بوط است و هیچ‌کدام از این اشخاص شاعر نبوده‌اند بنابراین از موضوع این کتاب که تذکره شعرا است خارج است

شرح حال شعرای زیر اگرچه مختصر است اما مؤلف اطلاعات مهم راجع بر بدگانی آنان آورده است.

انیمی شاملو و رمایی یردی و شانی تکلو و فرقتی جوشقانی و فغفور محمد حسین و قاسم حوینی و الهی و ادهم و ناظم هروی

اشعار شعرای زیر را با اشعار دیگران مقایسه نموده است:

اشعار سلیم طرشتی را با اشعار ملا و ارسته و صائب و غنی کشمیری و نوعی خبوشانی و ملا مشرقی و واعظ و فطرت و اشعار وحید قرینی را با اشعار عمق بخاری و شیخ سعیدی و عرفی و ملک قمی و نعمت‌خان عالی

روی هم رفته از حیث جامعیت شرح حال و حسن انتخاب اشعار شعرا این تذکره را میتوان در ردیف بهترین تذکره‌های فارسی قرار داد.

سبک انشای مؤلف غالباً مصنوع است و گاهی نثر مسجع را هم بکار برده است مخصوصاً در مدفع تعریف و توصیف شعرا نثر مسجع آورده است و حتی گاهی بعضی القاب توصیفی را نیز نثر مسجع آورده مانند.

فیضی : طوطی هند سخن گستری است و ملك الشعراى در باراكبرى

ایسی شاملو: نکه سنج یگانه است و امیس معانی پیگانه.

همچنین در ذیل نام شعرای دیل قبل از نقل اشعار شعرا جمله‌ای مصنوع در معنی

داینك اشعار او آورده است:

زمانی : غنچه تا علش باین رنگ می شگفت

شابی تکلو : چراغ فکرش چنین پرتو میدهد

رضی اصفهانی: نقش سخن باین آئین می بندد

بطیر : آهوان معانی را باین قسم شکار میکند

سروری کابلی : نهال فکرش باین رعنائی میباید

نادم لاهیجانی: ریحان کلامش در سرزمین ورق صبر میشود

فرح شوشتری . پریر اذان سخن را چنین تسخیر میکند

ناظم هروی : سنبل شعرش کاگل می افشاند

واعظ قزوینی : این چند غزال ار حن او بحر امش میآید

اقدس شوشتری . حریر کلك اقدس سامعه (را) می افرورد

همچنین در ذیل نام شعرای زیر جمله‌ای مصنوع بمعنی « فوت شد » بکار

برده است:

سجایی . فنای صورت را با فنای معنوی هم آغوش

ادهم : زندان هستی را بدرود نمود

طهرحان . محمل بصحراى فنا کشید

آشنا رحمت نه بها بنخاه عدم کشید

واضح . ودیعت حیات سپرد

یکتا : خلوت شین تراشد

ظاهر صغاهانی : مردسب قطاع الطریق رشته حیاتش اقطاع یافت

محمور : مسافت رندگانی (را) پایان رسانید

نسخ خطی

- ۱- اشپرنگر ش ۲۴ ۲- ندیر احمد ۸۴ (حکیم عبدالحمی لکهنو- بخط مؤلف)
- ۳- آصفیه ج ۱ ص ۳۲۰ ش ۱۶ (۱۱۹۴ هـ) ۴- ایوانو- تکمله اول ۷۴۵ (۱۲۲۳ هـ) ۵- ایوانو- کرزن ۵۸ (قرن ۱۹ م)
- ۶- لیندزیانا ص ۱۴۴ ش ۳۳۰ (g) (۱۲۳۷ هـ) ۷- اته ۶۸۳ (تاریخ ندارد) ۶۸۴ (فصل ۲ ندارد - ۱۲۶۵ هـ).
- ۸- بامکی پور ج ۸ ش ۶۹۷ (قرن ۱۹ م)
- ۹- دانشگاه بمبئی - ۱۲۲ (اورای پریشان شامل ذکر تمبا ۳۹ شاعر).

چاپ

- لاهور ۱۹۱۳ م (مطبع دحانی رفاه عام لاهور از طرف مولوی عبدالحق وابسته یکتا بحانه آصفیه حیدرآباد دکن)
- برای فہرست اسامی شعرا رجوع شود بہ ایوانو- کردن ص ۶۴ - ۶۶ (۱۳۲ شاعر فارسی - اما در ابتدای نسخه چاپی فہرست اسامی ۱۴۳ نفر شاعر فارسی آمده است)

سفینة الشعرا

ابتدا

«این تذکرہ سفینة الشعرا . مؤلف این نسخه طبع رسا و خاطر معانی پسند...»

مؤلف

اسم مؤلف این تذکره معلوم نیست^۱ اما او یکی از رفقای آندرام مخلص (متوفی در ۱۱۶۴ هـ) بوده است چنانکه مؤلف اسم او را در برگهای ۹۱ و ۱۲۳ و ۲۵۴ در نسخه ایوانو-کرزن ذکر نموده است همچنین در برگهای ۱ و ۲۳۲ و ۳۱۶ و ۳۲۸ همین نسخه بدون ذکر نسبت خود با آندرام مریور، بخودش هم اشاره میکند ولی در هیچ جا اسم خود را ذکر نکرده است. در برگ ۳۴۸ وی میگوید که در ۱۱۴۰ هـ سخی شاعر را در لاهور ملاقات کرده است.

تبصره بر کتاب

این تذکره بین سالهای ۱۱۵۱ و ۱۱۷۰ هـ تألیف شده است چون مؤلف در برگ ۲۱۹ سال ۱۱۵۱ هـ و در برگ ۶۱ سال ۱۱۵۲ هـ و در برگ ۲۹ سال ۱۱۶۰ هـ را ذکر نموده و همچنین در برگ ۲۶۴ سال ۱۱۷۰ هـ را سال جاری نوشته است.

بظاهر این کتاب با تمام مانده و مولف از ترتیب آن هیچوقت فراعته نیافته است. ذکر بعضی شعرا در دو یا سه جای مختلف تکرار شده و از این پیداست که مولف شرح حال این شعراء را از منابع و مآخذ مختلف نوشته است و تا پایان عمر فرصت تجدید نظر در این کتاب و تکمیل آن را ندست نیاورده است.

آقای ایوانو (گرد آورنده فهرست کتابخانه احمن آسیائی سگال) در فهرست ذخیره کرزن (ص ۲۳۲) چنین اظهار نظر میکند که در اول این تذکره حتماً از تذکره ریاض الشعراء^۲ و اله برر گتر و طاهر^۳ مشتمل بر قریب دو هزار شاعر بوده و نسخه موجود که مشتملست بر ۶۹۳ هزار شعرا تنها یک سوم اصل کتاب میباشد اما اگر سعینه الشعراء حاوی ذکر دو هزار شاعر بوده در آن صورت محققاً از تذکره و اله کوچکتر بوده است چون تذکره و اله مشتملست بر ۶۹۳ هزار شاعر و این شاعر

۱- اسم مؤلف این تذکره در سراسر نسخه موجود هیچ جا ذکر نشده است و همچنین اشارات گاهی در باره شرح حال و غیره مؤلف بیامده که در تعیین وی مردن به هویت مؤلف کمک و راهسائی نباید

ذکر شعرا در این کتاب بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر آمده است. اما همه جا این ترتیب کاملاً رعایت نشده است. بعضی قسمت‌های این تذکره نا تمام مانده و تنها در دیل حروف «الف ب ت ث ح ح د ر س ش س ض ط ف ق» ذکر شعرا سبب کامل است اما بعضی قسمت‌های بردگی این تذکره یعنی قسمت «ع و م» از این نسخه تقریباً بکلی افتاده است و همچنین این نسخه قسمت عمده حروف «ذ ز» و تقریباً تمام حروف «ل ن و ه ی» را ندارد. ترتیب بر گها ببرد بشتیلاری از موارد مغشوش است.

ماخذ مهم مؤلف تذکره تقی اوحدی (عرفات العاشقین) تذکره نصرآبادی است که اسم آنها را مؤلف در اکثر موارد ذکر کرده است اما ظاهراً منابع وی در تألیف این کتاب غیر از این دو تذکره کتاب‌های دیگری هم بوده که اسم آنها در نسخه موجود نیامده است.

این نسخه با تمام تذکره شعرای متقدم و متأخر فارسی است که شرح حال مفید شعرای مذکور را دارد که مؤلف از منابع مختلف گرد آورده و در این تذکره جمع کرده است اما چنانکه مؤلف (در ص ۱ این نسخه) تذکره داده است مفصود اصلی وی از ترتیب این کتاب انتخاب و جمع آوری بهترین اشعار هر شاعر بوده و نه نوشتن شرح حال گویندگان آن اشعار.

مؤلف شرح حال شعرای متأخر را مخصوصاً آنهایی که در قرن دوازدهم هجری میزیسته‌اند خیلی مفصل آورده است اما در دیل نام شعرای متقدم شرح حالشان را سبب مختصر نقل کرده است.

همچنین اشعار شعرا ببرد این تذکره غالباً مفصل آمده است روی هم رفته این تذکره بسیار مفید و با ارزش است اما حیث که هیچ نسخه کاملی از آن امروز موجود نیست.

نسخه خطی

نسخه منحصر بفرد از این تذکره در کتابخانه ابن‌حمن آسیائی بنگال - ذحیره

کرزن موجود است (رجوع شود به ایوانو - کرزن ش ۳۲۶) - این نسخه خیلی ناقص است و بد ترتیب و تنظیم شده است. ترتیب برگها در بسیاری از موارد صحیح نیست در ابتدای آن چند ورق خراب شده و خوانده نمیشود در بعضی صفحاتها اسم شعرا ضبط شده اما جا برای این منظور خالی گذاشته شده است این نسخه ۵۰۲ صفحه و صفحه‌ای ۱۵ سطرود کر ۶۹۳ شاعر دارد و مورخ او احقر قرن دوازدهم هجری است. بعضی تعصبات بیشتر درباره این نسخه در سطور فوق گذشت.

برای فهرست اسامی ۶۹۳ شاعر این نسخه رجوع شود به نسخه فهرست ایوانو - کرزن ش ۳۲۶ ص ۲۳۳-۲۴۰

تذکره بینظیر

ابتدا

«خان جهان حمد معروض بندرگاه صنعت طراری که پریزدان معانی را
در شیشه‌های الفاظ حا داد و لیلی و شان سخن را در سیاه خیمه‌های حروف بند قبا
بر گشاده»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره میر عبدالوهاب متخلص به افتخار است وی از خانواده سادات بخاری بوده و سلسله سسش به محدوم جهانیان سید حلال الدین بخاری میرسد. حدش در زمان اورنگریب عالمگیر (۱۰۶۸-۱۱۱۹ هـ) با احمدنگر که دارالسطت نظامشاهیان (۱۰۰۶-۱۰۹۴ هـ) بوده مهاجرت کرد و افتخار در احمدنگر متولد شد و همانجا بزرگ شد سپس با دختر سید مرتضی خان بخاری حصار شهر سیاه قلعه دولت آباد، اردواح کرده و در شهر دولت آباد رحل اقامت افکند.

غیر از زبان فارسی وی عربی هم خوب بلد بود و در دستور و عروض این زبان تسلط و از فقه و علم الادویه بهره وافری داشت.

افتخار این فقاهت صمیمی آزاد بلگرافی بوده و آزاد او را در سال ۱۱۶۳ هـ بنواب نظام الدوله ناصر جنگم متوفی (در ۱۱۶۴ هـ) معرفی کرد و افتخار به خدمت نواب مرزور در آمد افضل بیک قاقشال در «تحفة الشعراء» مینویسد که افتخار در حال تنگدستی و فقر زندگی میکرد اما ممکنست این قول او برای زمانی که هنوز افتخار وارد خدمت نواب مرزور شده بود صادق باشد.

مولوی عبدالجبار صوفی ملکا پوری در «محبوب الزمن» (اردو-تألیف ۱۳۲۹ هـ) می نویسد که افتخار در سال ۱۱۸۲ هـ در خدمت نواب اشجع الدوله غیور حسنگ یکی از امرای دربار آصفحاه بود و بالاخره در سال ۱۱۹۰ هـ فوت کرد و در شهر دولت آباد جنب مقبره برهان الدین غریب مدفون شد.

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در سال ۱۱۷۲ هـ تألیف نموده است چنانکه اعداد اسم این کتاب «تذکره بینظیر» (= ۱۱۷۲ هـ) سال اتمام این کتاب (۱۱۷۲ هـ) را میرساند. مؤلف اسم منابع این کتاب را در مقدمه یا حاتمه بیاورده است اما در دلیل شرح حال شعرا اسم کتابهای زیر را ذکر نموده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است:

- ۱- اخبار الاخیار - رجوع شود به نام ایحاد.
- ۲- تادیب الزندیق^۱ تألیف میر عبدالقادر سمرقندی - رجوع شود به نام آزاد.

۳- تسلیة العواد فی قصاید آزاد (رجوع شود به نام آزاد)

۴- تذکرة الشعراء ای احلام (همیشه بهار) - رجوع شود به نام حنون

۱- ر.ک: آثار آزاد بلگرامی: (انتقاد بر مولمات فارسی آزاد (۲) در دلیل صحت در باره

بدیضا در این کتاب

ومیرزا ارجمند.

۵- تذکرة الشعراى حزين- رجوع شود به نام مير عبدالجليل

واسطى بلگرامى

۶- تذکرة الشعراى متين (حيات الشعراء)- رجوع شود به نام جنون ومتين .

۷- تذکرة الشعراى وارسته - رجوع شود به نام آزاد.

۸- تذکرة الشعراى آزاد (سرو آزاد ويد پيضا) - رجوع شود به نام

آزاد ومتين.

۹- جواب شافى- رجوع شود به نام آزاد

۱۰- فرهنگ رشيدى رجوع شود به نام آزاد .

۱۱- مآثر الامراء - رجوع شود به صياء ووقار.

۱۲- مآثر الكرام- رجوع شود به نام آزاد.

۱۳- مصطلحات الشعراى وارسته - رجوع شود به نام آزاد .

۱۴- نادرشاهنامه رجوع شود به نام عارف.

۱۵- ديوانهاى اثر و آزاد (عربى و فارسى) و آفرين و افصح و ايجاد و بيخير و

ثابت و حرأت و حرين و حالص و زاير و شهرت و عاقل و عالى و عزلت و متين و مخلص و

مشرق و مظهر و منصب و ميرزا و صحاح (كليات) و بويد.

۱۶- ساقى نامه دردمند

۱۷- مثنويهاى شهيد (شور خون و ناله عشق نواز وغيره)

۱۸- مثنويهاى يكتا (گلنسته حسن و جهان آشوب وغيره).

از جمله ماخذ فوق تذکرة الشعراى متين و وارسته (ش ۶ و ۷) امروز باقى نمانده

است و اين امر خود ارزش اين تذکرة را نالاميسرد.

اين تذکرة مشتمل است بر دگر صد و چهل و نه شاعر بترتيب النبا که ۱۱۰۰ هـ

تا ۱۱۷۲ هـ در ايران يا هندوستان ميریسته است و باه آزاد بلگرامى شروع شده

«میریوسف» تمام میشود .

در ذیل نام اکثر شعرا مؤلف شرح حال را مختصر آورده است. اما اکثر اطلاعات مهم راجع برندگان آنها را فراهم آورده است و سال اکثر وقایع مهم زندگی (ولادت یا وفات) را ثبت نموده است.

اشعار منتخب شعرا نیز غالباً مفصل و لطیف است و نمودار دوق عالی مؤلف است و این اشعار را مؤلف از دیوانهای اکثر شعرا خودش انتخاب و گل چین نموده است .

از حیث جامعیت شرح حال و حویلی انتخاب اشعار این تذکره را میتوان جزو بهترین تذکره های فارسی شمرد. البته این تذکره زیاد مفصل نیست اما هر چه است تغز و زبده است.

سبک اشای مؤلف غالباً ساده و عاری از تکلف و تصنع است.

چاپ

اله آباد سنیت هاوس ۱۹۴۰ میلادی

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به سروآراد و تذکره بینظیر چاپ اله آباد (مقدمه گرد آورنده) و محبوب الرمن (اردو) چاپ حیدرآباد دکن ص ۷ - ۲۰۶ و تحفة الشعرا تألیف افضل بیک قاقشال.

برای فهرست اسامی شعرا رجوع شود به چاپ اله آباد ۱۹۴۰ میلادی.



باغ معانی

ابتدا

رب یسر . بسم الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر
فاتحه و فتح کلام خدا . نام خدا آمده نام خدا

مپاس بیقیاس مهار آفرینی در سر د که عماد لفظه را بر شاخسار زبان جا (داد) ولهجه وستایش و نیایش بیقرینی را بجاست که طوطی مقال را در گل زمین طبع مورون نهاد.

مؤلف

اسم مؤلف نقش علی^۱ است (شرح حال وی اصلاً بدست نیامد).

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۱۷۴ هـ نوشته است چنانکه خود اسم این کتاب «باغ معانی» (= ۱۱۷۴) از روی حسروف ایجاد میرساند و همچنین در ذیل نام عطاء الله خان متخلص به اعلیٰ مینویسد در این اوقات که هر از ویک صد و هفتاد و چهار هجریست... اما از متن کتاب پیدا است که مؤلف بعداً در کتاب اضافه هائی نموده است چنانکه در ذیل نام سید نورالدین خان متخلص به الغنی سال ملاقات با او را ۱۱۹۰ هـ ذکر نموده است همچنین در ذیل نام آراد مینویسد که او مشمول تألیف سرو آراد (تألیف سال ۱۱۶۶ هـ) است و در حاشیه بجز خودش مینویسد که وی یک نسخه از حرا نه عامره (تألیف سال ۱۱۷۶ هـ) دریافت نموده و تذکره سوم که از تألیفاتش بنظر عاصی مؤلف رسیده نام خرینه (حزانه) عامره نهاده لیکن مختصر است و بطریق تاریخ حالات نواب نظام الملک و اولادش نوشته (است) .

نسخه کامل این کتاب امروز هیچ جای پیدا نیست . اشپر نگر مینویسد (ص ۱۵۲) که بعقیده او این تذکره مشتمل بر سه یا چهار مجلد با ورقهای بزرگ بوده که

۱- اشپر نگر در اسم مؤلف اشتباه کرده است و تألیف این کتاب را به علی امراهم خان

حلیلست داده است (ر ک اشپر نگر ص ۱۵۲) اما در نسخه کتابخانه بانکی پور در عبارت

دیر اسم مؤلف صریحاً ذکر شده است و اما بعد میگوید مؤلف این اوراق سک آستان نی و ولی

نقش علی عمی اله عه من حرایم الحمی والحلی که چون از آراستن پنج چمن تذکره باغ

معانی با یاری سحاب الطاف و سرچشمه اعطاف الهی شادابی خاطر حاصل شد حالیا منقاد عندلیب

کلکم بر شاخسار گلهای چمن ششم و هفتم و حاتم هر اراست .

از آنها خود اشپرنگر تنها جلد دوم را دیده بود . همچنین سحه خطی که در بانکی پور موجود است جلد سوم این کتاب است و شامل دگر شعرای قرن مهم تارمان مؤلف است که اکثرشان یا بهندوستان رفته یا در آن سرزمین زندگی میکرده‌اند . ترتیب اسامی این تذکره الفبائی بوده است از روی حرف اول اسم یا تحلیص شاعر . شرح حال اکثر شعرا را مختصر آورده است و انتخاب اشعارشان را نیز مختصر نقل کرده است

رویهمرفته شرح حال مولانا شیدای مشهدی را (در ۲۹ سطر) و اشعار باقر خرده کاشی را (در ۱۲ ص) مفصل تر ادامه آورده است .
سبک اشای مؤلف غالباً ساده و غیر مصوع است

سخه خطی

- ۱ - اشپرنگر ص ۱۵۲ (چمن ۳ - شاهان چمن ۴ - و رراء و امراء چمن ۵ - ۳۲۲ شاعران ارمان هارون الرشید تا ۸۰۰ ه) .
- ۲ - بانکی پور ح ۸ ش ۶۹۸ (چمن ۶ و ۷ - شامل دگر شعرائی مخصوصاً ارهد یا متعلق بهند از قرن ۹ تارمان مؤلف ناقص ، تا « طرف » است ، و محتملاً بخط مؤلف است)
- ۳ - ریوج ۳ ص ۱۰۲۲ ب (قسمتی از چمن ۴ و ۳ - مورح تقریباً ۱۸۵۰ میلادی است)

فهرست اسامی شعرا

فهرست اسامی شعرای این تذکره در هیچ کتاب نیامده

شرح حال مؤلف

در هیچ کتاب دیده شد .

« تذکره شاعرات »

ابتدا

اسم مؤلف این تذکره در نسخه موجود هیچجا ذکر نشده است .

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۱۷۴ هـ تألیف نموده است چنانکه در دیل نام حدیجه سلطان بیگم می‌ویسد «حدیجه بیگم تاحین تحریر این مطور که ۱۱۷۴ هـ است در اصفهان زنده است» .

مؤلف اسم کتابهای ریر را در شرح حال شاعرها ذکر کرده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرا گرفته است .

۱ - مرآت الحیال - رجوع شود به نام حجابی و حجابی استرآبادی و مهری خلایر هروی و نور جهان بیگم و نهایی
 ۲ - ریاض الشعراء واله - رجوع شود به نام حجابی استرآبادی و کامله بیگم و مهری خلایر هروی

۳ - مجالس النهایس - رجوع شود به نام مهری خلایر هروی

۴ - تذکره تقی اوحدی - رجوع شود به نام حمیله حاتم فصیح و بیخه نهایی

۵ - تاریخ و صاف - رجوع شود به نام بیخه مهستی

۶ - حبیب السیر - رجوع شود به نام بیخه مهستی

۷ - حواهر المعایب - رجوع شود به نام بیخه مهستی

در نسخه دانشگاه لاهور (که قصه الاول است) تنها ۳۹ زن شاعر متقدم و متأخر ترتیب الفبائی ذکر شده است و باه توسی اتون شروع شده با «عبدلی تمام میشود

مؤلف اشعارشاعره هارا عالماً مختصر آورده است و از تذکره های دیگر نقل کرده است .

همچنین شرح حال اکثر شاعره ها را مختصر و گاهی جامع نقل کرده است اما سعی کرده است که اطلاعات مهمی درباره زندگی آنان در این کتاب مجملاً ذکر نماید .

تنها در ذیل نام شاعره های زیر شرح حالشان را (مختصراً) جامع آورده است :

.. خدیجه سلطان بیگم و حمیله خانم فصیحه و ریس النساء بیگم و نور جهان بیگم
گاهی بعضی کلمات را شرح داده است مثلاً در ذیل نام بی بی مهربی کلمه
« کینه » را شرح داده است

همچنین اشعار بعضی شاعره هارا اصلاح نموده است مثلاً در ذیل شعر زیر
« نسائی » .

عاشقی با قامت ایرو کمندی کرده ام با همه بستی تمنای بلندی کرده ام^۱
مینویسد . « اگر بجای ایرو کمندی مشکین کمندی باشد خوش محاوره
است » .

در ذیل نام بعضی شاعره ها بر اقوال تذکره نگاران دیگر انتقاد کرده است
چنانکه در ذیل نام کامله بیگم بر قول خان واله که راجع بیک رباعی کامله بیگم
در تذکره خود نوشته است « این رباعی اغلب از سلیمه بیگم باشد چه در هندوستان
ربان فارسی را مردان آنجا خوب میدانند چه حای ربان و در آن زمان رواج
ربان فارسی در هند بوده » مؤلف می نویسد .

« محاوره فارسی در هندوستان از عهد قطب الدین ایبک و شمس الدین ایلتمش
(معمول شده) است که اکثر بلکه بسیاری از مردم حراسان و ماوراء النهر و بلخ
و طنجارستان (که) همراه ایشان بودند در اینجا سکونت ورزیدند ایشان بهمان زبان

۱ - در این نسخه در مصرع اول « کرده ام » و در مصرع دوم « کرده ایم » آمده است

وهم ریان هندمتکلم وهم در آن عهدشعراى بسیار بردست (قوى) اراهل هند بوده اند
و اربان بی بی فاطمه سام که ذکر ایشان گذشت در آن عهد بوده .

همچنین در دیل نام بی بی مهرى حلایر هروى راجع به بدیه گفتى رباعى
مهرى مر بورپیش شاد بیگم مولف مینویسد: «بردبنده صحیح نیست زیرا که معاصر
شاهرخ میرزا است مگر آنکه صحت با گوهرشار بیگم اتفاق افتاده باشد» .

همچنین راجع به غزلی که مطلع آنرا مولف ریاض الشعرا هم بنام مهرى
وهم بنام ماهی نوشته و امیرعلیسیر در مجالس النفاى دویست اول غزل را ثبت کرده
است مینویسد «مشهور چنانست که این بیت از مهریست که در حکیم بوده اما فقیراً
ز مردم نیک شنیدم که از مولانا سلیمان است...»

سك انشای مولف ساده است اما گاهی در موقع تعریف از بعضی شاعران ها
ببوشتن ثم مصوع پرداخته است مثلاً رجوع شود به نام فاطمه (صهاهاى)

نسخه خطی

تنها نسخه این بد کرده در دانشگاه لاهور است که با «توبى اتون» در حرف «تا»
شروع میشود و در قسمت آخر این نسخه بعد از «تد کره شاعران» مستزاد هائی
از عطار و مولاناى دوم و بیتی ارسینى و یاری و یلک تر کبب سد ارجاحى حان محمد قلمى
و در حاشیه از صفحه ۲۹ تا صفحه ۳۹ حرر و تعوید های مختلف آمده است

فهرست اسامى شعرا

در هیچ کتاب یا فهرستى نظر نرسید

مقالات الشعرا

ابتدا

بمحمد من حصص بالقوة النطقية الاسن وعلمه حمايق المعدي والبيد»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف میر غلامعلی شیر متخلص به قانع است و سلسله نسبش به قاضی سید شکرالله میرسد که در زمان شاه بیگ ارغون (۹۲۷-۹۲۸ هـ) از شیراز مسد آمد.

قانع در سال ۱۱۴۰ هـ در شهر تته (سند) دنیا آمد و «حلق اسامین السلاله» ماده تاریخ ولادت اوست. وی در تته پیش علمای بزرگ آن شهر درس خواند. اسامی بعضی از استادان خود را در این کتاب (مقالات الشعرا) ذکر نموده است. ابتدای زمان تحصیل بشعر و شاعری علاقه داشت و بس دو اوزده سالگی (در سال ۱۱۵۲ هـ) بگفتن شعر آغاز کرد و دیوان اشعار خود را مشتمل بر هشت هزار بیت ترتیب داد اما بعداً سایر بعضی علل نامعلومی این دیوان را پذیرا انداخت سپس در حدود سال ۱۱۵۵ هـ صحبت میر حیدر الدین ابوتراب متخلص به کامل وی را دوباره بوجود و شور در آورد و در نتیجه قانع دوباره شعر گوئی پرداخت و در حلقه شاگردان میر کامل مرور در آمد.

احداث قانع همیشه در ادوار مختلف درسد بمراتب معرر و عالی فایز بودند و از طرف دولت‌های سده مستمری در ریاض می نمودند در زمان میان غلام شاه کلهوره والی سند (۱۱۷۰-۸۶ هـ) در سال ۱۱۷۵ هـ قانع بخدمت تاریخ نویسی خاندان دولتی منصوب گشت و بامر شاهی نوشتن دو کتاب را آغاز نمود یکی بشعر بسیک شاهنامه فردوسی و دیگری به شعر اما چندی بعد معلمی نامعلوم از تألیف این کتابها دست کشید و ظاهر آبعد از یکی دو سال ترک این خدمت گفته به تته وطن خود مراجعت نمود و در سال ۱۱۸۰ هـ در آن شهر بتألیف تحفة الکرام مشغول شد.

از شرح حالی که خودش نوشته است معلوم می شود که در تمام عمر غیر از سورت

- ۱- بعضی اسناد رسمی و فرامین شاهان سند که در کتابخانه شخصی داشمید معلم پیر حسام الدین گرد آورده و مصحح مقامات الشعرا موجود است روشن می سارد که دولت‌های سند در ادوار مختلف با احداث قانع و طیفه (مستمری) می دادند.

و کچھو احمد آباد و جو ناگرہ بھیج جای دیگر مسافرت نکرده و تمام اوقات درندگی خود را در شهر تته در کار تصنیف و تالیف گذرانیدمو از سن دوازده سالگی تا اوقات خود (۱۲۰۳ھ) همواره بدینکار مشغول بوده است.

قابع چنانکه از اشعارش معلوم میشود شیعه تهصیلی^۱ بود اما در طریقت بگروه نقشبندیہ منسلک بوده و اکثر اعضای خانواده وی نیز مانند او بهمین سلسلہ بیعت داشته اند

از آثار او پیدا است کہ وی آدم وسیع النظر و غیر متعصبی بود چنانکہ می گوید.

چورا فاضی نکتم سرددل بیعص کسی رچار یاردرین دهر گرم محل ماست

بود عجب بما بشدار صاف راضی گودل ر گرد سینه اصحاب شسته ایم

قابع به ماده (تاریخ گوئی) علاقہ فراوانی داشت چنانکہ در قطعہ ای تاریخ فوت پدر خود عرت الہ (متوفی در ۱۱۶۱ھ) چنین گفته است

خرد گمت تاریخ سال وفات کہ پیوست با رحمت ایردی

و همچنین ماده تاریخ فوت پدر را از سوره «المنافقون» چنین آورده است
لِللّٰهِ نَعْرَتٌ لِّرَّسُلٍ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ^۲

قابع تا آخر عمر در کار تصنیف و تالیف مشغول بوده و حتی یکسال قبل از وفات سه کتاب بنام «طومار سلاسل گزیده»، «شجره اطهر اهل بیت» و «سالکان طریقت» را در سال ۱۲۰۲ھ با تمام رسانید و با وجود پیری و بیماری گوناگون هیچوقت از کار علمی دست نکشید بالاخره در سال ۱۲۰۳ھ سن ۶۴ سالگی در تته چشم از جهان پرست و در کوهچه مکلی در قریستان خانواده خود مدفون گشت

۱- یعنی، او خود اینکه به حلقہ ای ثلاثہ احترام می گذاشت اما درین چهار حلقہ بصیلت

حسرت علی قابل بود

۲- ذرک آیة ۶ سوره المنافقون، «وللّٰهِ نَعْرَتٌ لِّرَّسُلٍ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ»

میر قانع سه‌پسر داشت بعد از او بعضی از اخلاف وی نیز مانند او به فارسی شعر میسروده‌اند.

آثار مولف

آثار قانع در تاریخ سیاسی و اجتماعی معاصر حاوی اطلاعات در قیمتی می‌باشد. عده آثار او بسیار بوده اما از دستخوش روزگار اکثر آن‌ها زین رفته‌است طبق اسامی که در مقالات الشعرا و فهرست کتابخانه تته و کتس دیگری گرد کرده عده مؤلفات وی به‌چهل و سه بالغ می‌شود بسیاری از کتابهای قانع تا تمام مانده و وی در تکمیل آن توفیق نیافته‌است در باره عده اشعار خود در «مقالات الشعرا» مینویسد که اگر آنها را جمع آوری مینمود بهی هرار بیت میرسید . «الی الحال ۱۱۷۴ هـ اگر بجمع شعر میرداخت تاسی هرار کما و بیش (کم و بیش) رسیده میبود اما اغلب طبع بدین نبوده اکثر مسودات بهر حال که مانده‌اند ما ندید»^۱

آثار مؤلف بدین قرار است .

۱- دیوان علی شیر- در سال ۱۱۵۲ پس از دو آورده سالگی گرد آورده بود اما بعداً آنرا بندریا انداخت .

۲- مثنوی تمه ارقنرت حق^۲- در سال ۱۱۶۵ هـ تألیف نمود.

۳- مثنوی قضا و قدر- در ۱۱۶۲ هـ تألیف نمود و نسخه آن در اسحمن ادبی سد

موجود است

۴- نو آئین خیالات - در ۱۱۶۹ هـ نشر تألیف کرد

۵- مثنوی قصه کامروپ^۲ - در ۱۱۶۹ هـ سرود و حاوی سه هرار بیت بود

۶- دیوان قال غم^۲ - در ۱۱۷۱ هـ سرود و حاوی به هرار بیت بود^۱

۱- ر. ک مقالات الشعرا ص ۵۷۲

۲- از این کتابها نسخه‌ای بحا مانده اما اسامی و مشخصات و مقتضات آن

در مقالات الشعرا و بعضی کتب دیگر آمده است.

- ۷- ماقی نامه^۱ - در ۱۱۷۴ هـ سروده بوده .
- ۸- واقعات حضرت شاه^۱ - در سال ۱۱۷۴ هـ سرود و حاوی یک شعر از بیت بود
- ۹- مثنوی چهار مرله^۱ - در ۱۱۷۴ هـ سرود و حاوی یکم هزار بیت بود.
- ۱۰- تزویج نامه حسن و عشق^۱ - در ۱۱۷۴ هـ بشرت تألیف کرد.
- ۱۱- اشعار متفرقه در صایع و تاریخ^۱ - در ۱۱۷۴ هـ سرود و هزار بیت بود
- ۱۲- بوستان بهار معروف به مکلی نامه - در ۱۱۷۴ هـ تألیف کرد رساله کوچکی است منظم و نثر در باره مقابر قبرستان مکلی. نسخه خطی آن در انجمن ادبی سند و خود است و این رساله در مجله مهران شماره ۲ تا ۴ سال ۱۹۵۶ م با حواشی چاپ شده است.
- ۱۳- مقالات الشعرا - تذکره مورد بحث در سال ۱۱۷۴ تألیف کرد.
- ۱۴- تاریخ عباسیه - در سال ۱۱۷۵ هـ شعر آغاز کرد ولی ناتمام ماند.
- ۱۵- تاریخ عباسیه - در سال ۱۱۷۵ هـ شعر آغاز کرد ولی ناتمام ماند. کل بیست هزار بیت بود^۱
- ۱۶- تحفة الکرام - در سه جلد در ۱۱۸۱ هـ تألیف کرد. تاریخ عمومی است اما در باره اوصاف و احوال سیاسی و اجتماعی سند بحث کرده است
- ۱۷- مثنوی اعلان عم - در ۱۱۹۲ هـ سروده است و ۱۱۷۳۳ بیت دارد سخنانی بحکم مؤلف در مورد بریتانیا موحور است.
- ۱۸- ربدة المناقب - در ۱۱۹۲ هـ سرود و حاوی ۱۲۰۰۰ بیت بوده (رخواه شود به فهرست کتابخانه تته).

۱ - از این کتابها سخنانی جدا شده اما اسامی و منتحات و مقتضات آن در مقالات الشعرا و بعضی کتب دیگر آمده است.

۲- جلد سوم این تاریخ که مشتمل بر احوال سیاسی و اجتماعی سند است در مطبعه ناصری دهلی در سال ۱۳۰۵ هـ مطبع رسیده است و به رودی از طرف انجمن ادبی سند پیر منتشر می شود .

- ۱۹- مختارنامه- در ۱۱۹۴ هـ سرود و حاوی ۷۰۰۰ بیت است. نسخه‌ای از این کتاب در انجمن ادبی سند موجود است.
- ۲۹- نصاب‌البلغا. در ۱۱۹۷ هـ تألیف کرد که در فکر آلات و اقسام اشیاء و حیوانات مختلف و مصطلحات ادبی است نسخه‌ای بخط مؤلف در کتابخانه شخصی مولانا محمد ابراهیم گرهی یاسینی موجود است.
- ۱۲- مثنوی ختم السلوک- در ۱۱۹۹ هـ سروده است و نسخه‌ای از این کتاب بخط مؤلف در انجمن ادبی سند موجود است.
- ۲۲- طومار سلاسل گرینه- در ۱۳۰۲ هـ تألیف نموده و در ذکر سلسله‌های طریقت و مشاهیر صوفیه سند است. نسخه‌ای بخط مؤلف در انجمن ادبی سند موجود است.
- ۲۳- شجره اطرهاهل بیت^۱- در ۱۳۰۲ هـ تألیف نمود و در ذکر شجره نسبت سادات سند بود.
- ۲۴- معیار سالکان طریقت- در ۱۲۰۲ هـ تألیف نمود در ذکر یکپاره‌ها و معیار روحانی است و بحسب خطی آن درموره بریتانیا موجود است
- ۲۵- روضة‌الاسیا- (سال تألیف معلوم نیست؟) شعر بود و در فهرست کتابخانه تنه اسم آن ذکر شده است
- ۲۶- رینت‌الاخلاق- شعر بود مشتمل بر مصایح و مواعظ
- ۲۷- غوثیه- شعر بود در سلوک و معرفت.
- ۲۸- مثنوی قصای نامم امروز ۲۶۳ بیت از آن مانده است
- ۲۹- میران‌الافکار- شعر بوده است
- ۳۰- تذهیب طباغ (۹)
- ۳۱- سرافرازنامه (۹)
- ۱- از این کتابها نسخه‌ای بجا مانده اما اسامی و مقتضات آن در مقالات الشعر و بعضی کتب دیگر آمده است.

۳۲- حدیقه غلبا مجموعه شعرای فارسی است. نسخه ناقص الاخر آن در انجمن ادبی سند موجود است.

۳۳- مثنوی کن جواهر (۴).

۳۴- میران فارسی (۴)

۳۵- رساله معنی مع شرح - نشر و شعر بوده

۳۶- لب تاریخ کلموره.

۳۷- بیاض محک الشعرا - جنگی است شامل اشعار گزیده فارسی. نسخه‌ای

از این بخط مؤلف در انجمن ادبی سند موجود است.

۳۸- دیوان اشعار^۱.

۳۹- قصاید و منقبت.

۴۰- انشای قانع - نسخه‌ای از آن در انجمن ادبی سند موجود است.

۴۱- مثنوی محبت نامه - ۱۵۹ بیت از آن در بیاض (حنگ) مکی نامه

موجود است

۴۲ - ۴۳ - (در فهرست میر مائل^۲ اسم این دو کتاب محو شده و

حواصده نمی‌شود).

تصریح بر این کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در ۱۱۶۹ هـ آغاز نمود و در ۱۱۷۴ هـ با تمام رساییده

است و اسم تذکره « مقالات الشعراء » از روی ابجد سال اتمام آنرا می‌رساند چنانکه

مؤلف در این باب در مقدمه توضیح داده‌است اما در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه

چین مینویسد: «روری در جمعی اربابان . مضمون این معنی و حقیقت چنین بیان

۱- از این کتاب نسخه‌ای بحایمانده اما اسم و مقتضات آن در مقالات الشعراء و معنی کتب

دیگر آمده است .

۲- میرعلامعلی متخلص به مایل یکی از سه پسر قانع بود که بعد از پدر جانشین

وی شد (ر.ک. شرح حال میرمایل تنوی از پیرحسام‌الدین راشدی در محله‌مهران -

بهاره ۱۹۵۵م)

آمد که چون در هیچکدام تذکره صائبه رک صاحب کمالان خطه پاك سند بدیدن نمی آید اگر چنانچه عروس حالات سدی از ابارب سحن این سرزمین استعدادترین و شاهد مقالات برخی از اصحاب فن این حاك پاك قرین در پرند تألیف و حلیه تدوین حلوه افرای جمله گوش مستمعان ماهوش و ضیا پیرای خانه چشم مبصران خردنیوش گردد باری یاد گاری از این دیار بروی کار تواند ماند.

سپس مؤلف (نثر بسیار مصوع میویسد) که وی اکثر بهمین فکر مشغول بوده اما این کار حیلی مشکل نظر می آید چور در هیچ کتاب ذکر این شعرا بمقدار وافی و کافی نوده و در تواریخ و کتب دیگر بطور متفرق و پریشان یافت میشود. در هر حال مؤلف بسال هزار و صد و شصتونه در ضمن نظم «قصه کامروپ و کاملتا» تألیف این کتابرا آغاز نمود.

مؤلف اسم مآحد را در مقدمه یا خاتمه ذکر نکرده است اما در شرح حال شعرا اسم کتاب های ریرا آورده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده کرده است.

۱- کلمات الشعرا- سرخوش

۲- ید بیضا^۱ تألیف میر علام علی آراد

۳- منتحب التواریخ (رجوع شود به نام یا مرو پیرم)

۴- تاریخ معصومی یا تاریخ سد میر معصوم نامی بهکری (رجوع شود به نام

هلال و غیره)

۵- اکبر نامه^۲

۶- واقعات تیموری یا تورک تیموری (رجوع شود به نام ناقی)

۱- مؤلف شرح حال اکثر شعرا را که ستند آمده اند از این تذکره اقتباس و نقل کرده است.

۲- از مطالبی که مؤلف در شرح حال نام آورده است معلوم میشود که بعضی مطالب را از این کتاب نقل کرده است.

۷- مجالس المومنین (رجوع شود به نام بیرم خان)

۸- قوانین انشا بالغ (رجوع شود به نام بالغ)

۹- تاریخ غیاث الدین هروی (رجوع شود به نام سپاهی)

۱۰- لطایف الطوائف - علی بن ملاحسین واعظ کاشفی (رجوع شود

به نام شهود)

۱۱- مجمع الصنایع - نظام الدین احمد

۱۲- تاریخ نظامی (رجوع شود به نام نظام الدین)

این تذکره مشتمل است بر ذکر هفتصد و نوزده شاعر در بیست و هشت باب
باین ترتیب که برای هر یک حرف یک نام مخصوص است و اسامی شعر را بترتیب
الفاظ از روی حرف اول اسم یا تخلص آنها آورده است.

این تذکره با «ابراهیم، ملا اسراهم بندر لاهری» شروع شده با «یونس
میر محمد یونس ارغون» تمام میشود در حاتمیه کتاب بعضی غزلهای شعرای معاصر
را آورده و گاهی اشعار خودش را هم نقل کرده است این غزلها قساقیه و ریه شبیه
بهم دارد.

گاهی بعضی حکایات مستدل در این تذکره نقل کرده است مثلاً در ذیل
نام بالغ.

در ذیل نام بعضی شعرا بعضی اطلاعات حالی آورده است مثلاً در ذیل نام باقر مینویسد:
«مان باقر حابی و کوره باقر خانی از محترعات اوست» اما قبل از قبول چنین
روایاتی لازمست تحقیق بیشتری در این زمینه بعمل آورده شود.

از جمله ۷۱۹ شاعر در ذیل نام ۴۳۷ شاعر مؤلف شرح حال آنها را در یک و دو
سطر و از هر کدام یک دوبیت نقل کرده است و حتی در ذیل بعضی از آنها بدگراسم
و وطن‌شاعر آورد در یک بیت از او بدون هیچ شرح حال اکتفا نموده است مانند
صاو روح‌الله و غیره

شرح حال شعرای دیردا معصل تر از دیگران آورده است: خانخانان

(۲ ص) و امین الدین خان و بابروجانی بیگ میرزا و امیرشاه قاسم (هر کدام در ۳ ص) و اعظم خان و سپاهی (هر کدام در ۵ ص) و قانع (مؤلف در ۶۸ ص). همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل تر از سایرین آورده است: طالب (۲ ص) و خالص و کامل (هر کدام در ۳ ص) و شاعر (۱/۳ ص) و میرجانشاه (۵ ص) و مداح (۵/۱ ص) و آزاد و رجا (۷ ص) و محسن (تقریباً ۲۵ ص) و قانع (مؤلف ۶۸ ص) بدین ترتیب شرح حال و اشعار خودش را از همه مفصل تر (هر کدام در ۲۸ ص) آورده است .

در نوشتن شرح حال شعرا هیچگاه سعی نکرده است آنرا مفصل بنویسد و اطلاعات هر چه بیشتر را در بساره آنان بهم رساند و این تذکره غالباً فاقد اکثر اطلاعات مهم درباره شعرا میباشد و حتی شرح حال بعضی شعرا را که مؤلف باسانی میتواند از تذکره های دیگر مفصلاً نقل کند نیز مفصل نوشته است مانند آزاد و حزین و سرخوش و غیره و همچنین شرح حال شعرائی را که مؤلف با آنان از نزدیک آشنائی داشت نیز مفصل نوشته است

در ذیل نام شعرای زیر هیچ شعری از آنها نقل نکرده است و تنها شرح حال آنها را آورده است :

عبداللطیف (تبارك) و گل محمد و مشتاقی اما درباره این موضوع هیچ توضیحی هم نداده است. طاهر آ یا سهواً و غفلة نوشته است یا شعری از آنها در دست مؤلف نبوده است .

همچنین در ذیل نام « ابوبکر سوستانی » تنها نقل اشعارش اکتفا نموده و شرح حال وی را اصلاً نوشته است . در ذیل شرح حال خود مؤلف شرح حال مفصل از بعضی اسلاف خود نوشته است که اساساً شاعر نبوده اند .

مؤلف اشعار خود را در ذیل اشعار دیگران نیز نقل کرده است (رجوع شود به نام تسلیم و عاشق محمد کریم و عبدالله حاجی کر بلائی و حکیم غالب و محسن و نجم الدین) و مخصوصاً در ذیل نام عاشق چندین غزل کامل خود را در جواب بعضی

اشعاروی نقل کرده است .

همچنین در ذیل نام بعضی شعرا اشعار دیگران را که در معانی و معیوم تشابه داشته نقل کرده است مثلاً در ذیل نام عبدالله حاجی کربلائی اشعار ذلالتی را و در ذیل نام نجم الدین اشعار غلامعلی مداح را نقل کرده است .

مؤلف با « ماده تاریخ گوئی » علاقه فراوانی داشته است چنانکه در پایان اشعار خود هفت قطعه تاریخ که در آن ار آیات قرآنی و احادیث رسول اقتباس نموده است آورده است همچنین گاهی بعضی اشعار را از خود یا شعرای مرپور یا دیگران نقل کرده است که تاریخ بعضی وقایع زندگی آنها (مانند ولادت و وفات و غیره) را میسرساند مثلاً رجوع شود به آراد و اکروبا بر . همچنین در موقع انتخاب اشعار شعرای « ماده تاریخ گوئی » سعی کرده است که اشعار آنها که متضمن ماده تاریخ بعضی وقایعی میباشد نقل کند مثلاً رجوع شود به اشعار آزاد و عبدالجلیل ملگرامی . حتی در ذیل نام عبدالجلیل هیچ اشعاری غیر از اشعار « تاریخ » از وی نقل نکرده

در ذیل نام اشخاص زیر چندین « ماده تاریخ » نقل کرده است که خود آنها یا مؤلف یا دیگران سروده اند . امی و آهی و احمد عساری قروینی و اکبر و امین الدین خان حسینی و اعظم خان و الهام و ابوالاحمد خان و آزاد و ابراهیم و اعظم و بابرو بیرم خان و باقی و بالچندویی تکلف و تسلیم و جعفر و چتر بهوح و حس و حقیقت الله خان و خالص و ذهنی و رحا و سرافرا و سرخوش و سرشار و شاهجهان و شفیع و شوقی و شهرتی و سید صفائی و عبدالباسط و عبدالجلیل ملگرامی و عبدالقادر و سید عبداللطیف و غلام محمد پسر آخوند و فاضل خان و فایر و قاسم (سراج الدین) و قانع (مؤلف) و کامران و محسن و وقاری و همایون شاه

رو بهمرفته در ذیل اشعار خود اشعار « تاریخی » ار همه بیشتر نقل کرده است . در موقع انتخاب اشعار شعرا طبق ذوق « هندی » اکثر اشعاری را که دارای صنایع لفظی و معنوی بوده ترجیح داده و ذوق شعرویی را از جنس اشعار مشخص میتوان

درک نمود مخصوصاً رجوع شود به صادق و نجم‌الدین -
 علاوه بر اشعار شعرا گاهی نمونه هائی اثر آنها را نیز نقل کرده است مثلاً در ذیل
 نام اکرم رقصه ای (نامه ای) و ارقدوس دورقصه (دونامه) و از خود مؤلف ۲۸
 فقره (حمله) و یک رقصه (نامه) بهتر از کتاب خود بنام « آئین خیالات » که
 بقول خودش « به از نظم است » (یعنی بهتر از شعر است)

سبک انشای مؤلف

نثر مؤلف آمیزش عربی زیاد دارد و گاهی بعضی اصطلاحات و کلمات عربی
 را آورده است که بفارسی معمول نیست مانند کره ثانی بمعنی دفعه دوم (ص ۲۴۲)
 و غیره.

سائها را همه جا بر بان عربی آورده است و در اکثر موارد در نوشتن بعضی
 مطالب از آیات و احادیث استفاده کرده است مثلاً رجوع شود به شرح حال عبدالله (واعظ)
 و عبدالرسول - مخصوصاً در « ماده تاریخ گوئی » از آیات و احادیث زیاد استفاده
 نموده است مثلاً رجوع شود به نام عبدالرشید و میر عبداللطیف و عریضی و آخر
 اشعار مؤلف گاهی بعضی کلمات اردو یا سندهی یا کلماتی که اصلاً فارسی بوده
 اما در هند و پاکستان بمعانی مخصوصی در آمده است بکار برده است مانند :

« بفوجداری پرگنات معیش داشت » (رجوع شود به نام الله وردی بیگ
 ص ۷۰) « نواسه » بمعنی نواده (رجوع شود به نام تسلیم ص ۱۲۱) « دردیواخانه
 ایشان نشسته کچهری میکرد » (رجوع شود به نام ابراهیم ص ۶۸) « دوپاس »
 بمعنی طهر که بار دو دوپهر گویند (رجوع شود به نام رجا ص ۲۳۲) « سرشته‌دار
 دامهای جاگیر جاگیر داران » (رجوع شود به نام ابوالمعالی ص ۷۵) « خوشنویس
 و دستخط » (رجوع شود به نام اسدالله ص ۷۶) « دهر » بران سندهی بمعنی « تشکر »
 گاهی بجای « فوت شد » بعضی کنایات مخصوص و جالبی آورده است مانند

۱ - اکثر نویسندگان متأخر هند و پاکستان در موقع نوشتن فارسی همین روش را

داشته اند مانند آراد و آردو حاکم و حوشگو و شعیق و غیره .

« رخت صفا بهالم بقا کشید » (رجوع شود به نام صفائی) « از صیبا ی کل من
 علیها فان نوش کرده سرمست وصل برهنگاه حقیقی شد » (رجوع به نام صیبا)
 « درمنا بریارت بیت آخر شتافت » (رجوع شود به نام کامران) « ساغر شرابا
 ظهورا نوش فرموده سرمست وحدتکنه باقی گردید » (رجوع شود به نام مشرب)
 و گاهی از تحلیص و اسم شاعر استفاده کرده بر عایت آن بعضی عبارات را آورده
 است مثلا رجوع شود به جمالات وی که از شرح حال صفائی و صیبا و مشرب در سطور
 فوق نقل شده است.

نسخ خطی

- ۱ - کتابخانه شخصی پیرحسام الدین در کراچی
- ۲ - ریوح ۲ ص ۸۴۸ الف ۱ مورخ ۱۲۴۶ هـ
- ۳ - اندیا آفس ۴۴۹۷^۱ (۱۲۷۱ هـ)

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به « مقالات الشعراء » چاپ کراچی
 برای شرح حال مولف رجوع شود به مقدمه مقالات الشعراء چاپ کراچی
 چاپ

ارطغرل احمدی ادبی سد کراچی در سال ۱۹۵۴ م بنصحیح و تحشید آقای
 پیرحسام الدین راشدی بطرز بسیار مطبوع و بیسی چاپ شده است . در این کتاب
 مصحح واصل آن مقدمه مفید و ارزنده ای را در باره مؤلف و آثار او نوشته است (رجوع
 شود به ص ۲۷) و ۳۲ عکس را از اشخاصیکه در کتاب در این کتاب آمده است
 (و مصحح آنرا بعد از حمد و ریاضی بدست آورده و بعضی از آنها را اول دفعه در این
 کتاب چاپ کرده است) نیز ضمیمه کرده است .

همچنین در حواشی کتاب در باره بعضی از ملوک و امرا و شعرا و شهرها و مقامات

۱ - این نسخه در فهرست آته ذکر شده است . استوری ح ۱۹۱ ص ۱۱۱

تاریخی و غیره شرح بسیار مفیدی را در کتب تاریخ و تذکره و غیره اضافه کرده است و این حواشی مفصل و بجای خودش باید «تکمله» ای بر این تذکره حساب کرد خلاصه زحمات منتصح فاضل آن و اولیای انجمن ادبی سندهی سراوارستایش و تمجید و تشویق فراوانی میباشند و این روش در تصحیح و چاپ کتب تذکره و تاریخ بوسیله سایرین باید «شمع راه» و مورد تقلید و تنسیع قرار گیرد

سعییه عشرت

ابتدا

«حمدناظمی را که رباعی عناصر را ترکیب بند ساخته و ثنای راقمی که بر لوح فلک از قلم اندام سدس شش جهت نگاشته»

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب در گاداس است (شرح حال او در هیچ کتاب قاریح یا تذکره و غیره ذکر نشده است)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۱۷۵ هجری تألیف نموده است چنانکه اسم این کتاب «سعییه عشرت» از روی احد میرساند
سخه ناقص الاخر این کتاب در نانکی پور (که تنها نسخه موجود است) مشتملست بر چهارصد و بیست و پنج شاعر بترتیب العنار روی حرف اول یا تحلیص شاعر و با «اسدی طوسی» شروع شده با «حاجی فریدون محلی» به سابق تمام میشود و حاوی ذکر شعرا و متقدم و متأخر میباشد.

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرا را مخصوصاً از معاصرین مفصل

رویه گرفته مؤلف شرح حال بیدل را (در سه صفحه) مفصل تر از همه آورده و اشعار سراج الدین علیخان متخلص به آرزو را (در ۳۲ صفحه) مفصل تر از سایرین نقل کرده است.

سك انشای مؤلف در مقدمه کتاب مصنوع است و گاهی شمسج را نیز بکار برده است. اما شرح حال شعرا را بشتر ساده و غیر مصنوع نوشته است.

نسخه خطی

نسخه خطی منحصر بفرد این تذکره در بانک پیور موجود است (رجوع شود به بانک پیور ج ۲ ص ۶۹۹). این نسخه، قص الاخر است و تنها تا حروف فریدون متخلص به «سابق» میآید و مورخ قرن ۱۹ میلادی است.

«مروم دیده»

ابتدا

بعد (از) حمد کلیمی که سخن آفرین و حکیمی که احکم الحاکمین است و صلوات کریمی که رحمة للعالمین و شیع المذسین است و اهل بیت طاهرین و اصحاب طیبین و تابعین رضی الله تعالی عنهم اجمعین.

شرح حال مؤلف

این کتاب را ملا محمد الحکیم لاهوری متخلص به حاکم تألیف کرده است، وی از طرف حده سید حسینی است چون حده وی از فرزندان قاصی یوسف بود که از سادات معتبره هرات و قاصی بلخ بود

اسم پدرش شادمان خان اوزبک است . از طرف پدر سبش به اوزبک اورغ دورمن میرسد که از نجبای قوم اوزبک بود پدر حاکم در عهد عالمگیر شاه (۱۰۶۹-۱۱۱۸هـ) از یلخ بدکن وارد شد و بقول حاکم به منصب «علی قدر حال خود» و بقول آرزو به منصب هفتصدی و پنجاه سوار سرافرار گردید بعد از مرگ پادشاه مرپور شادمان خان در مرادآباد سکونت گردید و حاکم در آنجا در سنه یکهزار و یکصد و بیست هجری (سنه ۱۱۲۰هـ) متولد شد و در سال اول جلوس محمد فرخ سیرشاه (۱۱۲۴هـ) پدر حاکم «سب کمال ارتباط و اخلاص» نواب دلیر جنگ همراوی بلاهور رفت و در آن شهر رحل اقامت افکند و در زمان فرخ سیر شاه (۱۱۲۴-۱۱۳۱هـ) به منصب سه هزاری و در عهد محمدشاه (۱۱۳۱-۱۱۶۱هـ) به منصب پیکهزاری و نوبت و علم و تقاره منتحر شد بالاخره در چهارم رمضان سنه ۱۱۳۵هـ مطابق سال پنجم جلوس محمدشاه در لاهور فوت کرد و شخصی «بحنت رفت» (= ۱۱۳۵) ماده تاریخ وفات شادمان حاکم گفت

در هنگام فوت پدر حاکم هنوز پانزده ساله بود وی به مطالعه کتب فارسی و اشعار اساتید قدیم بسیار علاقه داشت و گاه گاهی شعر هم میسرود تا آنکه بخدمت شاه آفرین لاهوری^۱ رسیده و در مره شاگردان او درآمد دربار آفرین لاهوری حاکم میگوید

حاکم نداشتم سروسامان فکر شعر از فیض آفرین بسحقن آشاختم
 قبل از حمله نادر شاه به هندوستان^۲ حاکم بنامت حاجی محمد شریف که از خلفای شیخ سعدی لاهوری بوده و بیك واسطه سب وی به سید آدم بنوی میرسید بیعت کرد و در سلسله قادریه مسلك گشت بعد از مراجعت نادر شاه (۲ صفر ۱۱۵۲هـ) بدلی رفت و آنجا با حواجه محمد صادق خان بهادر ملاقات کرد حواجه مرپور

۱- برای شرح حال او در حوض شوده مردم دیده و عبره

۲- نادر شاه در ۱۵ ذوالقعدة ۱۱۵۱هـ در حنك کرمان لشکر دشمن را شکست داد

و در نهم ذوالحجه ۱۱۵۱هـ وارد دهلی شد در ۷ صفر ۱۱۵۲هـ شهر را ترك گفت.

دیوان حاکم را بچط خود نوشت . بناچندی بعد این دو بان را دزدیدند. حاکم بعد از رفع احوال صدر جنگ وزیر و اعتمادالمک همراه وزیر مشارالیه از دهلی به صوبه (ستان) اود رفت و بعد از فوت وی بدلی مراجعت نمود. چندی بعد وارد لشکر شجاع الدوله شد ولی دیری نگذشت که ترك دنیا کرده در زمره فقرا درآمد

مؤلف در مقدمه «مردم دیده» توصیح میدهد که در نتیجه مطالعه مثنوی معنوی مستباده رومی شد و در قصه برای بریلی (در استان اترپردیش هندوستان امروزی) در غره حمادی الاخری سه ۱۱۷۱ هـ تغییر لباس داده لباس فقرا درآمد و از آنجا برای استطلاع «احوال متعلقان» عازم وطن خود لاهور شد و شش ماه در آن شهر توقف نموده سپس در شوق ادراک صحبت حضرت احوذ عبدالسلام بقشدی رو بخطه کشمیر آورد و مالاخره بعد از طی مازل در ملاقات او توفیق یافت. چندی بعد احوذ مر نور رحمت حق پیوست و بعد از فوت وی حاکم یکسال و نیم در آن «سرزمین بهشت آیین سر برد»

حاکم در کشمیر باغاری بیگ خان که «حشی اعتمادالدوله و رفیق معین السلاک» پس اعتمادالدوله بود ملاقات کرد و «مجنین ناامیر» محبت اله ملقب به عبدالملک خان برادر زاده میر معتمت حسن سپید که «اتفاق غازی بیک خان» در کشمیر بوده از بردیک آسائی پیدا کرد اما از شعرای کشمیر هیچکس برای دیدن حاکم نیامد و حاکم تنها به سه چهار روز بزرگ گوشه بسین «سد عبدالرشید و احوذ عبدالوهاب و شاه صیاء اله و کاسو پور ملاقات کرد»

حاکم می گوید که در همین ایام «سی» در واقع حیرت نمودند و از خود فرود آمد. چون بیدار شد از کار شده و «او خود عدم وسائل تصمیم گرفت برای زیارت حرمین برود. در آن ایام بدون اجازه همراجه سکه حیون که صاحب تصویب آنجا بود عبور ممکن بود و اما حاکم سد و س عسری بیک خان

بگرفتن جواز عبور موفق شد و به جمون^۱ رسید. خواجه هدایت‌اله گماشته راجا
ظالمه بتواضع بسیار از وی پذیرائی کرد.

حاکم در او اسطر بیع الثانی در شهر هو هشیار پور نزد «متعلقان» و خویشاوندان
جود رسید و بعلت هنگامه (شورش) سنکپان یکسال در آنجا توقف نمود و غالباً
در آن ایام بر لب قهر آب شهر با شاه عثمان خان خلیفه میر شاه علی مینشست و صحبت
می کرد. روزی ناهم نشسته بود که سید خواجه میر با وی برخورد حاکم
بنخواجه مرپور گفت که قصدریارت حرمین را دارد و خواجه میر از طرف خواجه
عداله خان بهادر وسایل بریدگی خانواده حاکم را فراهم نموده و در نتیجه حاکم
در ۱۴ ربیع الثانی (سده ۱۱۷۴ هـ) عارم مکه و مدینه شد

طی مثنوی اینکه در مقدمه «مردم دیده» آمده است حاکم این مسافرت خود
را شرح داده است از آن معلوم میشود که چون پسوی مکه و مدینه رهسپار شدند در ماه
صفر نورالعین واقف با او هم سفر شد و در راه دونفر دیگر بنام کریم‌اله (که او را
حاکم «پیر حقاوی و فاء» میگویند) و حسن با آنها همراه شدند در راه با استاد خود
مولوی عبدالرحمن ملاقات کرد و چون در ۲۹ رجب ۱۱۷۴ هـ به اورنگ آباد (دکن)
رسید مهمان شاه محمود شد و آنجا با آراد بلگامی ملاقات کرد و آراد مقدم آن‌ها
را گرامی داشت از اورنگ آباد به سورت رفت و آنجا مولوی حیر دین او
را در کستی بنام «سلیمان مکی» سوار کرد اما بعلت کسالت واقف نتوانست
ناوی برود

حاکم بعد از دو ماه تسبیح جمع در آحرماه شوال در حدهار کستی پیاده شد و از آنجا
سوار شتر شده عارم مدینه شد و در راه مرار سپیدان بدر را زیارت کرد و بالآخره
مدینه رسید و آنجا مرار رسول و مسجد قدس را زیارت کرد و همچنین قبر حضرت
ابوبکر و مرار حضرت فاطمه و قبرهای دیگر حست بیع را زیارت کرد و بقول خودش
این سعادت در ماه ذوالقعدة نصیب وی شد پس متوجه حابه کعبه شد و چون

به مسجد آن رفت که چهل باب دارد او را اجازه دادند که به داخل مسجد برود چون بقول خودش او پول نداشت . سپس مؤلف سایر هنامک حج را انجام داده در ماه محرم عازم جده شد از آنجا در کشتی بنام «گنج آوری مکی» که متعلق بسید حواجه کوچک بود رهسپار هندوستان گشت و بالاخره در ماه صفر (۱۱۷۵هـ) سورت رسید.

حاکم در پایان مشوی مدکور قطعهای آورده است که بیت آخر آن بطریق معنی تاریخ این مسافرت (۱۱۷۵هـ) را میرساند :

دل شب بصد عجز و دست دعا	پی سال تاریخ بودم بفکر
قبول خدا می شود حج ما	که ناگاه شنیدم ز روی کرم
(= ۱۱۵۵هـ)	

(چون عدد روی کرم که حرف کاف است (= ۲۰) را با عدد ۱۱۵۵ جمع کنیم ۱۱۷۵ برمیآید که سال این مسافرت است)

بروز ۱۵ جمادی الاول سنه ۱۱۷۵هـ حاکم ناتفاق واقع وارد اورنگ آباد دکن شد و آنجا در تکیه شاه محمود اقامت کرد.

در ایام اقامت اورنگ آباد در همان سال ۱۱۷۵هـ حاکم تذکره الشعرائی نوشت شامل ذکر شعرائی که آنها را دیده بود و اسم آن را «تحفة المحالین» نهاد اما بعداً سه بیسهاد و توصیه آزاد بلگرامی اسم آن را به «مردم دیده» تغییر داد

حاکم در ۱۸ شوال ۱۱۷۵هـ از اورنگ آباد به حیدرآباد دکن رفت و در ۱۹ صفر دوباره به اورنگ آباد برگشت و در دوم ربیع الثانی همان سال (۱۱۷۵هـ) حاکم و واقف هر دو از اورنگ آباد عزم شمال هندوستان شدید چون راه برهن بود و مالیه خطرناک بود راه نراز و چتر پور را اختیار کردند ولی با وجود این احتیاط در بین اورنگ آباد و بالابور قطاع الطريق آمده آنان را بردند اما حدودشان هیچ صدمه ای نرسید بالاخره بر حسب تمام بالابور

رسیدند و از آنجا بوسیله قاصدی حال خود را به آرزو بلگرامی نوشته و آراد مقداری پول برای آنها فرستاد و آنها به سلامت به کولاپور رسیدند اما چون باز وسایل مسافرت را نداشتند دوباره بآراد نوشتند و آرزو کمک خواستند و آراد دوباره بآنها مقداری پول فرستاد و بالاخره حاکم و قدرت هر دو به سلامت به وطن رسیدند و در دم شوال حاکم به آراد نوشت که وی جاپور و هوشیارپور در بواحی لاهور نزد اهل و عیال خود رسید و واقف بیر در همان ماه در وطن خود متاهله رسید.

روزی حاکم دیوان خود را برد سراج الدین علی خان آرزو برد تا به نظر تامل و مطالعه نموده از حسن و قبح کلام او را آنگاه سارد آرزو اول امتناع و ورزید اما در نتیجه اصرار حاکم بالاخره دیوانش را پیش خود نگهداشت و بعد از دو ماه حاکم بر گرداند و هر چه ایراد داشت در حواشی دیوان یادداشت کرد اما حاکم با اکثر ایرادات آرزو موافقت ننماید. چون وارسته سیالکوٹی اعتراضات و ایرادات خان آرزو را دید در جواب آن رساله ای نام «جواب شافی» نوشت اما عجیب اینست که آرزو حاکم را در تذکره خود بخوبی یاد کرده است و حاکم حتی بعد از فوت آرزو از وی تعریف میکند و در «مردم دیده» حاکم درباره آرزو میگوید «همه را با آرزو ربط احلاص ریاده از حد بود روزی عرلی در تشع عرلش گفتیم که متطعس ایست»

گرچه از فیض خان آرزو گردنمک طرفه شوری این عرل حاکم بلاهور افکند
 آن مرحور این بیت بدیهه گفته و رساند

شعر آرزو را رفته ای گرتوبا ایهم پسندی حاکمی

در «خرابه عامره» (ص ۲۰۲) میگوید «در این لفظ لظمی و انبامی

مجمع العفایس» (تألیف ۱۱۶۴ هـ) درباره حاکم می نویسد «چند

سال بیس را این دیوان خود را که هر یک چهار هزار بیت است به نظر فقیر در آورده بسیار
 و به ط گفته . حدیث مرته وارد شاه جهان آباد گشته و این مرته

بسیب ظلم صوبه دار (استاددار) پنجاب وضبط (توقیف) جا گیرهای (املاک) مردم در این جا رسیده میرملاقات باحقر مینماید .

آزاد در حرامه عامره (ص ۲۰۲) میگوید که وارسته در رساله شاهی در مورد بعضی اعتراضات خان آرزو توأمسته اسب خواب بدهد اما در بعضی موارد در ایس منظور موفق شده اسب و حتی معترف باشتهای حاکم شده اسب

مؤلف تذکره «فشرع عشق» میگوید که حاکم در هنگام مراجعت کشمیر در شهر قندهار سنه ۱۱۷۸ هـ فوت و در همان جا دفن شد و بقول مؤلف «تایب الافکار» حاکم در ۱۱۸۲ هـ (اثنین و ثمانین و مایقوالف) فوت کرده است و مؤلف «بعمه عندلیب» میگوید که حاکم در کشمیر فوت کرده اسب. لچهمی بر این مؤلف «گل رعنا» مینویسد که برالعمین واقع لاهوری (متالوی) در اوایل محرم ۱۱۸۲ هـ امام آزاد بلگرامی نامه ای نوشته حاکم کی از این که حاکم و واقف در کشمیر در خدمت توای سر بلند خان بهادر صوبه دار رفتند و در موقع مراجعت حاکم در شهر قندهار عارضه اسهال فوت کردند و همانجا دفن شد و این واقعه در ۱۱۷۸ هـ اتفاق افتاد.

اما استوری (ج ۱ ص ۸۲۹ - ۸۳۰) میگوید که حاکم تا موقع تألیف «عقد ثریا» (۱۱۹۹ هـ) در قید حیات بود

تبصره بر کتاب

مؤلف این تذکره را در سال ۱۱۷۵ هـ در اورنگ آباد تألیف کرده اسب و در مقدمه کتاب دو قطعه از آراد نقل کرده اسب که طی آن آراد از حاکم تعریف و توصیف کرده اسب ایک دوم این قطعه که سال این کتاب راهم میرساند:

حاکم حظه معنی حاکم	کرد بوتد کره ای را تصیف
سال تألیف نقل کرد آراد	تاره تألیف همایون لطیف (= ۱۱۷۵ هـ)

۱ - نیر رک محسوب الرمن (اردو) ج ۱ ص ۳۷۳ که در آنجا روایت فوق نقل

درباره سبب تألیف مؤلف در مقدمه این کتاب چنین توضیح میدهد که «از مدتی هر کوز خاطر داشم» که تذکره‌ای مشتمل بر احوال جمعی از شعرای ماضی و حال نویسد «چنانچه اشعار جماعت کثیر از سلف و حلقه تحمینا تا پناه هر از بیت (ار) سه هزار شاعر کسری کم و قریب دو صد (دویست) دیوان مطالعه نموده از هر یکی انتخاب زده موسوم به «انتخاب حا کم» ساخته میجو اسب ادهم قلم را در میدان گراوش حالات (احوال شعرا) حولان دهد» که نا گاه «عمان عریب از این وادی منعطف گردید و جادیه غیبی رهام اختیار (را) اردست برده بعالم فخر کشید ... در این و لا که پانزدهم حمادی الاولی سنه ۱۱۷۵ ه... از سورت مبار که به خجسته بنیاد (اورنگ آباد) وارد شد» و در تکیه شاه محمود اقامت گزید و از صحبت میر غلام علی آزاد متمتع شد تذکره الشعرائی مسمی به «مجمع النفایس» تألیف سراج الدین علی خان آرزو بنظر وی رسید و درباره فکر تألیف تذکره تازه گشت بالاحره تصمیم گرفت تذکره شعرائی بنویسد که خودش در خدمت آنها رسیده و شرح آنها را تذکره «مجمع النفایس» نقل نموده «هر جا که بیش و کم دیده شود» بقدر اطلاعات خود اضافه کند و همچنین اشامی شعرائی را که خان آرزو جهلا یا عمدا در تذکره خود میاورده بیرون علاوه کند و اسم این تذکره را بموجب فرمایش میر غلام علی آراد «مردم دیده» گذاشت

این تذکره مشتمل است بر دگر شصت و یک ساعری که مؤلف بسا آنها قات کرده و شامل مقدمه و دو باب و حاتمه میباشد

باب اول در ذکر هیجده شاعر است بترتیب الفبا که از مجمع النفایس بهمان نام مؤلف نوشته شده است

باب دوم «در ترجمه عبرانی که داخل تذکره خان آرزو نیستند» و مشتمل است بر چهل و دو شاعر بترتیب الفبا و حاتمه «در شمه» (ار) احوال خود مؤلف و حالات بزرگان تنهیق او» در اول با «آخرین» شروع شده با «واقف» تمام شد و باب دوم با «اظهر» شروع شده با «بیم» تمام میشود

در باب اول در ذیل نام شائزده شاعر زیر علاوه بر شرح احوالی که آرزو نقل کرده است بعضی اطلاعات در شرح حالی آنها را از خود هم اضافه نموده است: آفرین و آراد و امید و آرزو و حرین و رایح و درد و عظیم و فقیر و متین و منصف و معجز و واله و وجدان و وفا و واقف .

همچنین اشعار آراد و آرزو و منصف و وجدان و واقف را خودش اشخاص نموده و در این تذکره نقل کرده است و اشعار واقف را از همه مفصل تر (در ۱۶ص) آورده است.

مؤلف در مقدمه این کتاب از آرزو گله کرده است که وی اسامی بعضی شعرا را در «مجمع التغایس» ذکر نکرده است و لذا خودش در باب دوم این تذکره آنها را آورده است اما از اشعار و شرح حالی که حاکم در این جا آورده است پیدا است که حق با آرزو بوده و اکثر این شعرا هیچ ارزش و اهمیت ندارند چنانکه از اکثر شعرا شرح حالشان را در یک دو سطر و از اشعارشان یک دو بیت نقل کرده است

در ذیل نام شهید (ملا باقر) تنها یک بیت از او نقل کرده و نوشته است: «دیوان ضحیمی دارد کرامات که انتحاب رنده» . از این معلوم میشود که مؤلف در انتحاب اشعار شعرا زیاد رحمت نکشیده است.

در ذیل نام فقیر میبوسد «معلوم شد که خان آرزو با اینهمه تعریف و توصیف فقیر که در تذکره نوشته کم نوشتن اشعار او چه معنی داشته باشد» اما خود حاکم هم هیچ شعری از او اضافه نموده و تنها در شرح حال وی بعضی مطالب را اضافه کرده است

در حاتم کتاب اسم هیجده بزرگ «ارزگران صاحب حال» که بعد طاهر و باطن موصوف بودند و (مواهب) سعادت خدمت ایشان حاصل کرده بود ذکر نموده است و در چند سطر از آنان تعریف و توصیف کرده اما از ایشان هیچ شعری نقل نکرده است و معلوم نیست آنها شاعر هم بودند یا خیر. طاهر این قسمت

خارج از موضوع تذکره میباشد.

مؤلف گاهی بر اشعار شعرا انتقاد نموده است مثلاً رجوع نمود به امام فقیر. سبک انشای مؤلف اکثر ساده و غیر مصوع است اما بعضی جاها مخصوصاً در موقع تعریف و توصیف شعر، شعر مصنوع و گاهی شعر مسجع نگار برده است. روی پورته این تذکره را میتوان «تکلمه مجمع العایس آرزو» نامید. اما غیر از پاورده شاعری که ذکرشان در بطور فوق گذشت مؤلف در انتخاب اشعار شعرا رحمت نکشیده و حتی در باب دوم این کتاب در دلیل شرح حال شعرائی که ذکرشان در مجمع العایس نیامده است اکثر اطلاعات لازم را از زنده گانی این شعرا نیاورده است.

نسخه خطی

کتابخانه مرحوم صدربار حاکم حیدر رحمن خان شیردازی (عکسبانی که از این نسخه برداشته شده است در کتابخانه دانشگاه لاهور موجود است)

چاپ

از طرف آکادمی ادبی پنجابی لاهور سال ۱۳۳۹ ش باهمام دکتر سید عداله بطبع رسیده است. این چاپ برار اعلاطیست بدون مقدمه مصحح در شرح حال مؤلف و اهمیت کتاب و غیره.

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به مردم دیده چاپ لاهور ۱۳۳۹ ش که در آغار آن فهرست اسامی

شعرا نیز ذکر شده است

برای شرح حال مؤلف

رجوع شود به مردم دیده و حرا به عامره و مجمع العایس و نغمه عدلیب و بشر عشق و محزن العرایس ۶۴۲ و معالات الشعرا ی حیرت و عقدر یا وسعینه و حوتگو و

سمینه هندی

شزانه عامره

۱۵۵۱

در سر کلام را حیغه حمد صائعی که اسرار بگوهر گرانمایه ناطقه بواخت
و دهان او را بحواهر رواهر مملو ساخت

مؤلف

مؤلف این تذکره میر غلام علی متخلص به آراد بلگرامی است. (برای شرح حال
او رجوع شود بحث در باره «۱۰۰ بیضا» در این کتاب)

تذکره در کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۷۶ هـ در اورنگ آباد دکن تألیف کرده است
چنانکه در شرح حال خود مینویسد و اکنون در دارالامن اورنگ آباد گوشه گیرم:
در مقدمه کتب قطعه دلیل آورده است که سال تألیف کتاب (۱۱۷۶ هـ) را
می‌رساند

آزاد رقم نمود بو تذکره	در حیب ورق ریخت بقوسره
گجور خرد گوهر تاریخ فساد	حق داده عجب خزانه عامره
	(= ۱۱۷۶ هـ)

مؤلف در مورد سبب تألیف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد:

«عزیر القدر میر اولاد محمد که برادر داده فقیر است خواهش
نمود که تذکره تألیف کرده شود در ذکر سعرائی که جراح مدح ارباب کرم
افروخته اند. صلوات اردولت قدر دانی ممدوحان خود اندوخته چون خاطر مشارالیه

۱- اما مؤلف بعضی اروقایی بعد از سال ۱۱۷۶ هـ را هم در این تذکره ذکر
نموده است چنانکه سال فوت در گاه قلی خان (متوفی در ۱۱۹۰ هـ) را هم صفت نموده است
(در کج حراته عامره ص ۲۲۴)

عزیز بود التماس او بحسن قبول رسید».

مؤلف فهرست مآخذ کتاب خود را در مقدمه بقرار زیر آورده است:

۱- لب الالباب (لب الالباب) محمد عوفی

۲- تذکره دولت‌شاه

۳- تذکره سامی سام میرزا صفوی

۴- خاتمه خلاصه الأشعار (میر تقی کاشی)

۵- تذکره میر تقی کاشی (خلاصه الأشعار)

۶- هفت اقلیم امین احمداری

۷- منتخب التواریخ دناوی

۸- مجمع الفضلاء بقائی

۹- تذکره میرزا طاهر نصر آبادی

۱۰- مرآت الخیال شیرخان

۱۱- کلمات الشعراء سرحوش

۱۲- همیشه بهار احلاص

۱۳- حیات الشعراء محمدعلینخان متین کشمیری

۱۴- سفینه بی خیر

۱۵- ید بیضا (تذکره دیگر آراد)

۱۶- ریاض الشعراء واله

۱۷- مجمع التقایس آرزو

۱۸- تذکره شیخ علی حرین

۱۹- سرو آراد (تذکره دیگر آراد)

۲۰- تذکره بی نظیر عبدالوهاب دولت آنادی

۲۱- مردم دیده حکیم (حاکم) لاهوری

همچنین در ذیل بحث و شرح اشعار شعرا از فرهنگ‌های زیر استفاده

کرده است.

۲۲- فرهنگ برهان قاطع

۲۳- قاموس عربی

۲۴ و ۲۵- منتخب اللغات و فرهنگ فارسی - عبدالرشید تنوی

(ص ۴۱۰ و ۴۲۴)

از جمله کتب فوق مؤلف از جمله بیشتر کتاب مجمع النعایس آرزو استفاده

کرده است و حتی گاهی اشعار شعرا را از آن نقل کرده است. باید اذعان کرد که

از جمله کتب فوق تذکره حیات الشعرا متین کشمیری امروز بجای نموده

است.

علاوه بر این مؤلف «ارسیاری اردو اوین شعرا و کتب فن تاریخ و غیر آن»

استفاده کرده است. همچنین مؤلف در مقدمه کتاب تذکره داده است که بعضی

مآخذ دید بیضا مانند نعایس المأثر و صبح صادق و تذکره ناظم تبریزی

و تذکره ملا قاطعی و غیره در این وقت (یعنی در موقع تألیف خزانة عامره) حاضر

نیست لهذا در این کتاب برخی از مقدمات از ید بیضا گرفته شد در باره عرفات تقی

ابوحدی، مسد

«و فقیر عرفات (را) از حرف الصاد تا حرف الیاء (در) سابق دیده بودم

حالا حاضر به مت»

غیر از کتب فوق مؤلف اسامی کتابهای دیگر را در متن کتاب آورده است که

در تألیف این کتاب از آنها استفاده کرده است.

۲۶- چهارمقاله نظامی عروسی (رجوع شود به نام ابوسعید سلمان).

۲۷- حدایق السحر و طواط (رجوع شود به نام ابوسعید سلمان).

۲۸- تاریخ گریده حمداله مستوفی (رجوع شود به نام حسن غزنوی).

۲۹- احبار الاحیاء سیح محدث دهلوی (رجوع شود به نام شیخ حمالی

دهلوی)

- ۳۰- تفحات الاس حامی (رجوع شود به نام حافظ).
- ۳۱- تاریخ فرشته محمد قاسم فرشته (رجوع شود به نام حافظ).
- ۳۲- مرآت الصفا (رجوع شود به نام حافظ و بطیری).
- ۳۳- اعلام الانعام شیخ محمد یحیی اله آبادی (رجوع شود به نام حافظ).
- ۳۴- تاریخ مکه یا تاریخ قطبی قاصی قطب الدین حسنی (رجوع شود به نام حافظ).
- ۳۵- تقایس المآثر ثلاث الدوله درویدی (رجوع شود به نام حیرتی و غیره).
- ۳۶- تفسیر در مشور شیخ جلال الدین سیوطی (رجوع شود به نام حیدری تریزی).
- ۳۷- تاریخ طبری (رجوع شود به نام حیدری تریزی).
- ۳۸- بدرالحق امام عزالی (رجوع شود به نام حیدری تریزی).
- ۳۹- مآثر رحیمی نهاوندی (رجوع شود به نام حاجانان).
- ۴۰- تنبیه العاقلین آرو (رجوع شود به نام حرین).
- ۴۱- ابوالحنان رفیع واعظ قروینی (رجوع شود به نام حاکم لاهوری).
- ۴۲- حبیب السیر (رجوع شود به نام حاقانی).
- ۴۳- بهارستان حامی (رجوع شود به نام امیر حسرو).
- ۴۴- مشتآت حاجی عبدالعلی طالقانی (رجوع شود به نام دانش مشهدی).
- ۴۵- تذکره ملا قاطعی (رجوع شود به نام شهیدی).
- ۴۶- تاریخ صبح صادق (رجوع شود به نام طهیر فارابی).
- ۴۷- ثمرات القدس (رجوع شود به نام عبدالعادر بداونی).
- ۴۸- شاه جهان نامه عبدالحمید لاهوری (رجوع شود به نام قدسی).
- ۴۹- تاریخ عالم آرای عباسی (رجوع شود به نام ملک قمی).
- ۵۰- تفسیر قاصی بیضاوی (رجوع شود به نام حرین).
- ۵۱- صحاح جوهری ()